

بوده و در زمان شاه شجاع آل مظفر در قندهار می زیسته است و درین زمان شرحی بر منطق سید شریف کرگانی تألیف کرده است .

(۳۳) **امیر سید علی بن شهاب الدین بن میر سید محمد حسینی همدانی معروف به علی ثانی** نسبش بامام چهارم میر سیده ، از معاریف عرفای این زمان بود در همدان در ۷۱۳ ولادت یافت و پس از سفرهای چند به هندوستان رفت و در ۷۸۱ در کشمیر مقیم شد و نفوذ بسیار در دربار سلطان قطب الدین بن علاء الدین (متوفی در ۷۸۶) در ختلان بهم رساند و بشاه همدان معروف شد و خانقاه معروفی در علاء الدین پوره در کشمیر ساخت و پسرش سید محمد که پس از او در کشمیر بوده است در ۱۷ ربیع الاول ۷۹۷ آنرا وقف کرده و وقف نامه آنرا سلطان سکندر شاه پسر قطب الدین سابق الذکر تصدیق کرده است . و پس از مرگ آن پادشاه در ختلان بسال ۷۸۶ در گذشت و از شاگردان شرف الدین محمود بن عبدالله فرغانی و تقی الدین علی دوستانی و علاء الدولة سمنانی بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت : رسایل متعدد در اخلاق و سلوک و عرفان تألیف کرده است از آن جمله ذخیره الملوك در اخلاق و سیاست ، مرآة التائبین ، رساله اورادیه ، اربعین ، رساله ذکریه ، اصطلاحات صوفیه ، مشارب الانواق در شرح قصیده میمیه ابن الفارض بفارسی ، رساله در علم قیافه ، رساله چهل مقام ، رساله عقبات ، رساله آداب سفره ، رساله فتوت یافتوت نامه ، واردات غیبیه ، کتاب عقلیه ، سیر الطالبین ، رساله در وجود . میر سید علی شعر فارسی را نیز نیکومی سروده و غزلیاتی از او بدست است .

(۳۴) **ابو محمد سیستانی** از فضلاء سیستان بود و در آن دیار میزیست و در دربار ملک قطب الدین محمود بن شمس الدین شاه علی بن شاهزاده (۸۰۶ - ۸۲۲) از پادشاهان سیستان اقامت داشت و تاریخ سیستان را که به عربی بوده درین زمان بفارسی ترجمه کرده است .

(۳۵) **قطب الدین عبدالکریم بن ابراهیم بن سبط عبدالقادر گیلانی** از عرفای معروف عراق بود و در ۸۲۶ رحلت کرد و نزدیک بیست رساله در تصوف تألیف کرده است از آن جمله است ناموس اعظم و انسان الکامل .

(۳۶) **نصیر الدین محمود اودهی معروف بچراغ دهلی** از بزرگان مشایخ

بوده و در زمان شاه شجاع آل مظفر در قندهار می زیسته است و درین زمان شرحی بر منطق سید شریف کرگانی تألیف کرده است .

(۳۳) **امیر سید علی بن شهاب الدین بن میر سید محمد حسینی همدانی معروف به علی ثانی** نسبش بامام چهارم میر سیده ، از معاریف عرفای این زمان بود در همدان در ۷۱۳ ولادت یافت و پس از سفرهای چند به هندوستان رفت و در ۷۸۱ در کشمیر مقیم شد و نفوذ بسیار در دربار سلطان قطب الدین بن علاء الدین (متوفی در ۷۸۶) در ختلان بهم رساند و بشاه همدان معروف شد و خانقاه معروفی در علاء الدین پوره در کشمیر ساخت و پسرش سید محمد که پس از او در کشمیر بوده است در ۱۷ ربیع الاول ۷۹۷ آنرا وقف کرده و وقف نامه آنرا سلطان سکندر شاه پسر قطب الدین سابق الذکر تصدیق کرده است . و پس از مرگ آن پادشاه در ختلان بسال ۷۸۶ در گذشت و از شاگردان شرف الدین محمود بن عبدالله فرغانی و تقی الدین علی دوستانی و علاء الدولة سمنانی بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت : رسایل متعدد در اخلاق و سلوک و عرفان تألیف کرده است از آن جمله ذخیره الملوك در اخلاق و سیاست ، مرآة التائبین ، رساله اورادیه ، اربعین ، رساله ذکریه ، اصطلاحات صوفیه ، مشارب الانواق در شرح قصیده میمیه ابن الفارض بفارسی ، رساله در علم قیافه ، رساله چهل مقام ، رساله عقبات ، رساله آداب سفره ، رساله فتوت یافتوت نامه ، واردات غیبیه ، کتاب عقلیه ، سیر الطالبین ، رساله در وجود . میر سید علی شعر فارسی را نیز نیکومی سروده و غزلیاتی از او بدست است .

(۳۴) **ابو محمد سیستانی** از فضلاء سیستان بود و در آن دیار میزیست و در دربار ملک قطب الدین محمود بن شمس الدین شاه علی بن شاهزاده (۸۰۶ - ۸۲۲) از پادشاهان سیستان اقامت داشت و تاریخ سیستان را که به عربی بوده درین زمان بفارسی ترجمه کرده است .

(۳۵) **قطب الدین عبدالکریم بن ابراهیم بن سبط عبدالقادر گیلانی** از عرفای معروف عراق بود و در ۸۲۶ رحلت کرد و نزدیک بیست رساله در تصوف تألیف کرده است از آن جمله است ناموس اعظم و انسان الکامل .

(۳۶) **نصیر الدین محمود اودهی معروف بچراغ دهلی** از بزرگان مشایخ

طریقه چشتی در هندوستان و از معانیف خلفای نظام الدین اولیا بود و در زمان خود مریدان بسیار داشت و کراماتی از او روایت کرده اند ، سرانجام در شب آدینه ۱۳ رمضان ۷۵۷ در دهلی در گذشت و در آن شهر مدفون شد و اینک مرقدوی از زیارتگاه های معروف آن شهر است . وی در نظم و نثر فارسی دست داشته و برخی از اشعار از او مانده و از مؤلفات وی بنثر رساله صایف السلوکست که بفارسی فصیح و روان نوشته است .

(۳۷) سید صدر الدین ابوالفتح محمد بن یوسف حمینی چشتی دهلوی

معروف بسید محمد گیسو شراز خواجه بنده نواز یاسید غریب نواز، معروف ترین خلیفه نصیر الدین چراغ دهلی و از بزرگان مشایخ طریقه چشتی در هندوستان بود و در زمان خود شهرت و اعتبار بسیار داشت ، در ۷۲۰ در دهلی ولادت یافت و پس از صد و پنج سال در آن شهر در ۸۲۵ در گذشت . سید محمد گیسو دراز از دانشمندان بسیار پر کار هندوستان بوده است و در نظم و نثر فارسی استاد بوده و کتابهای فراوان در تصوف بفارسی و عربی از او مانده است از آن جمله: شرح زبدة الحقایق عین القضاة همدانی معروف بشرح تمهیدات، شرح رساله فشریه که در ۸۰۷ پیاپی رسانیده است، شرح و ترجمه آداب المریدین ابوالنجیب سهروردی که در ۸۱۳ با نام رسانیده ، مکاتیب یا مکتوبات ، حظایر القدس معروف بر رساله عشق حقیقی ، جواهر العشاق معروف بشرح رساله غوث اعظم، تفسیر سوره فاتحه بفارسی، برهان العاشقین معروف بقصه چهار برادر و مشهور بشکار نامه ، استقامت الشریعت بطریق الحقیقت ، رساله در مسئله رؤیت باری تعالی عزاسمه و کرامات اولیا، حدایق الانس، وجود العاشقین معروف بر رساله عشقید رساله توحید خواص، رساله مراقبه ، رساله از کار چشتیه ، شرح بیت حضرت امیر خسرو دهلوی علیه الرحمه، شرح فقه الاکبر ابوحنیفه ، برهان العاشقین . بر رساله برهان العاشقین او هفت شرح مختلف نوشته اند، شرح اوژو دوم که مولف آنها معلوم نیست و شرح دوم ناقص است، شرح سوم از ابوصالح ، محمد معروف بشیخ حسن محمد چشتی ، شرح چهارم از میر سید عبد الواحد بلگرامی ، شرح پنجم از میر سید محمد کامپوی، شرح ششم از محمد رفیع الدین محدث دهلوی، شرح هفتم از میرزا اقسام علی بیک حیدرآبادی متخلص بانسکر. دیوان

اشعار فارسی وی نیز در دست است. پسرش سید حسین معروف بسید محمد اکبر حسینی یا سیدبیری که کتاب العقاید و تبصرة الاصطلاحات الصوفیه را بفارسی تالیف کرده کتابی در مدعوظات پدرش نوشته است بنام جوامع الکلام.

(۳۸) شهاب الدین مسعود سیرجانی، از عارفان کرمان درین دوره بوده و کتابی در تصوف بنثر فارسی نوشته است بنام مرآة العارفين.

(۳۹) شاه شرف الدین ابوعلی بن سالار فخر الدین بن سالار حسن بن سالار عزیز بن ابوبکر غازی بن فارس بن عبدالرحمن بن عبد الرحیم بن محمد دانک بن ابوحنیفه نعمان بن ثابت بن نعمان پانی پتی معروف بابوعلی قلندر از بزرگان شاخ طریقه چشتی هند و پدرش مردی عارف و مادرش بی بی حافظه جمال زن پرهیزگاری بود. در شهر پانی پت در ۶۵۲ ولادت یافت و در آنجا می زیست و پیرو طریقه قطب الدین بختیار کاکلی و نظام الدین اولیاء بود و پس از چندی بیرون شهر درجایی که اکنون معروف به «باگهولی» است رفت و در آنجا در ۱۳ رمضان ۷۲۴ در گذشت و اینک قبرش در همان جایارنگاه است. وی در نظم و نثر پارسی استاد بوده و مؤلفات چند در تصوف دارد از آن جمله رساله معروف بحکم نامه شیخ شرف الدین و مجموعه مکاتیبی که بمرید خود اختیار الدین نوشته و دیوان غزلیات شامل ۶۰۰ بیت که در آن شرف تخلص کرده است و مجموعه رباعیات و یک مثنوی شامل ۱۲۰۰ بیت بتقلید از مثنوی مولانا و مثنوی دیگر بهمان وزن شامل ۲۳۸ بیت و مثنوی سومی بهمان وزن شامل ۳۶۲ بیت.

(۴۰) محمد بن احمد بن محمد صوفی سمرقندی ساکن شیراز از دانشمندان این زمان بوده و از احوالش جزین اطلاعی نیست که کتاب معروف ربیع الابرار و مختار الاخیار تالیف زرخشری را در شیراز بنام شادشجاع آل مظفر بفارسی فصیح ترجمه کرده

(۴۱) ثقه الدین ابوالنصر عبدالرحمن بن عبدالجبار فامی هروی مولف تاریخ هرات که از احوال وی اطلاعی نیست.

(۴۲) سیف الدین بن محمد بن یعقوب سیفی هروی متولد در ۶۸۱ از شاعران

و دبیران توانای زمان خود بوده و در شعر سیفی تخلص می کرده و تنها اثری که از او باقیست کتاب معروفیست در تاریخ آل کرت که بنام تاریخ نامه هرات نیز معروفست و در حدود ۷۲۱ آنرا بیابان رسانیده است.

(۴۳) عیسی بن هفین الدین ابوالقاسم جنید بن محمود بن محمد شیرازی از احوال او چیزی معلوم نیست جز آنکه کتاب شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار در مشاهد شیراز قالیف پدر خود را بنام هزار مزار بفارسی ترجمه کرده است.

در قرن هشتم شعر نسبت بدوره گذشته بهمان علی که ذکر شد اندکی تنزل یافت و باین همه عده کثیری از شعرای فارسی زبان چه در ایران و چه در هندوستان میزیسته اند و درین ضمن خاندانهای پادشاهان جزء که در نقاط مختلف سلطنت داشتند و از تجزیه دولت مغول فراهم آمدند در ترویج شعر فارسی همت گماشته اند چنانکه ابوسعید بهادر خان آخرین پادشاه مغول ایران (۷۱۶-۷۳۶) شعر فارسی می گفته است. خاندان جلایر نیز که در مغرب ایران سلطنت داشتند در پرورش شعر فارسی بسیار کوشیده اند و جمعی کثیر از شاعران بزرگ قرن هشتم از ایشان متنعم شده اند و دو تن از پادشاهان این سلسله مانند سلطان اویس (۷۵۷-۷۷۶) و سلطان احمد (۷۸۴-۸۱۳) نیز شعر فارسی گفته اند.

پادشاهان آل مظفر نیز درین راه کوشش بسیار کرده اند و از جمله ایشان عمادالدین احمد بن مبارزالدین (۷۶۰-۷۹۵) و شاه شجاع (۷۶۰-۷۸۶) و برادرش ابونزید بزبان فارسی شعر سروده اند و از امیر ابواسحاق اینجو نیز شعر فارسی مانده است. در ضمن شعر فارسی در هندوستان رواج کامل داشته و از میان پادشاهان آن دیار محمد تغلق شاه خلجی (۷۲۴-۷۵۲) شعر فارسی می گفته و شعرا را بسیار مینواخته است. در همین اوان زبان فارسی در قلمرو مملکت عثمانی رواج کامل یافت و از آن پس تا اواخر قرن سیزدهم بسیار متداول بود و پادشاهان آل عثمان اغلب شعر فارسی گفته اند، از آن جمله در قرن

هشتم ایلدیرم با یزیدخان عثمانیست (۷۹۲-۸۰۵) که شعر فارسی سروده است. از امرای جزء نیز ملک ضیاالدین کابلی که از جانب پادشاهان مغل امارت داشته باین زبان شعر گفته است. اما شعرای بزرگ قرن هشتم بدینفرارند:

۱) بهاءالدین احمد معروف بساطان و ادیا ابن عارف رومی پسر جلال الدین محمد بلخی مولوی عارف مشهور بود که همواره با پدر خود زیسته و پس از مرگ وی در همان خانقاه قویه جانشین پدر شده و از مشایخ طریقه مولوی بوده و در شهر لارنده در ۲۵ ربیع الثانی سال ۶۲۳ ولادت یافته و در قویه در روز شنبه دهم رجب ۷۱۲ در گذشته است و وی نیز در نظم و نثر فارسی قدرتی داشته و مجالس و تقریرات و مشافهات پدر را در کتابی باسم فیه ما فیه جمع کرده است و کتابی خود در تصوف نوشته که بنام معارف سلطان ولد معروفست و نیز دفتر هفتم مثنوی را بخط باو نسبت میدهند و از منظومات اوسه مثنوی مانده است یکی باسم رباب نامه در دو مجلد و دیگری باسم ولد نامه که در ۶۹۰ بیابان رسانیده و دیوان اشعار وی شامل سیزده هزار بیت نیز در دست است که در آن ولد تخلص کرده است.

۲) رکن الدین یا اوحدالدین بن میر حسین اوحدی مراغی اصفهانی از مردم مراغه بود و گاهی در اصفهان اقامت داشت، از عرفا و شعرای معروف این قرن بود و از مریدان شاگردان اوحدالدین کرمانی بود و گویند بهمین جهت اوحدی تخلص کرده است و در اواخر عمر دو باره بآذربایجان برگشته و با خواجه وجیه ابن یوسف از فرزندان خواجه نصیرالدین طوسی مربوط بوده و بیشتر اختصاص داشته است بخدمت غیاث الدین محمد پسر رشید الدین فضل الله وزیر و عاقبت در مراغه در نیمه شعبان ۷۳۸ در گذشته است. اوحدی مراغی را غزلیات عارفانه بسیار روان و شورانگیز هست و دیوان او شامل پنج هزار بیتست و مثنوی باسم ده نامه و ادره ۷۰۵ بنام همان وجیه الدین و مثنوی باسم جام جم را که بسیار معروفست در سال ۷۳۳ تمام کرده و بنام خواجه غیاث الدین پرداخته است.

۳) کمال الدین ابوالعطا محمود بن علی بن محمود مسترشدی کرمانی

متخلص به خواجو یکی از بزرگترین شعرای غزل سرای ایران و یکی از معارف کویندگان قرن هشتم بود. در کرمان شب یکشنبه ۲۰ ذیحجه ۶۸۹ ولادت یافت و از بزرگ زادگان کرمان بود و در جوانی بنای شاعری گذاشت و از همان اوان معروف شد و سفرهایی به شام و بیت المقدس و حجاز و عراق کرد و در آغاز شاعری بمداحی ابوسعید بهادرخان پرداخت و سپس جزو شعرای دربار شیخ اویس بن شیخ حسن ایلکان درآمد و سپس از مداحان شیخ ابواسحق اینجو شد و پس از آن بدربار امیر مبارزالدین محمد بن مظفر (۷۴۱-۷۶۵) پیوستگی یافت و درین میان جمعی کثیر از امرا و وزرای بزرگ را که بدین دربارها مربوط بوده اند مدح گفته است و در ضمن مسلك تصوف داشته و از شاگردان علاءالدوله سمنانی و امین الدین کازرونی بوده و عاقبت در شیراز بسال ۷۶۳ رحلت کرده و در آنجا در تنگ الله اکبر مدفون شده است. خواجو در نظم و نثر فارسی قدرت بسیار داشته و در نثر دو رساله از او مانده است. در نظم نزدیک بیست هزار شعر گفته است و کلیات نظم او شامل سه دیوان فصاید و مقطعات و غزلیات و غیره است که در سه مرحله از عمر خود تدوین کرده و شش مثنوی که از ۷۳۲ تا ۷۴۶ بنظم آنها مشغول بوده بدین قرار: ۱ - هما و همایون که در ۷۳۲ تمام کرده، ۲ - گل و نوروز که در ۷۴۲ با تمام رسیده، ۳ - روضه الانوار که در ۷۴۳ بپایان رسیده، ۴ - کمال نامه که در ۷۴۴ تمام شده، ۵ - گهر نامه یا گوهر نامه که در ۷۴۶ با تمام رسانیده است، ۶ - سام نامه که دو روایت مختلف از آن موجود است و آنرا بخواجو نسبت میدهند. خواجو گرمانی در غزل و مثنوی بزم و رزم و معاشقات استاد کامل بوده و درین دو فن او را باستانی مسلم میدارند. در غزل سبکی خاص دارد که حد وسط میان سبک سعدی و حافظ است و معاشقات را با تصوف آمیخته و الفاظ روان و معانی طبیعی بسیار دارد؛ در مثنوی سبک نظامی را دنبال کرده و در بسیاری از موارد از او روان تر سروده است. خواجو خود منتخبی از اشعار خود در ۲۸ باب برای امیر مبارز الدین ابوالمظفر محمد بن مظفر بنام مفاتیح القلوب و مصابیح الغیوب گرد آورده است.

۴ - امیر محمود بن امیر یمین الدین طغرائی فریومدی معروف بابن یمین

خاندان وی از مردم فریومد از ولایت جوین و پدرش امیر یمین الدین اصلائرک از قزاق

بود و در زمان سلطان محمد خربنده الجایتو باین نواحی آمد و در آنجا مقیم شد و در آنجا بسال ۷۲۴ در گذشت و پسرش ابن یمین در همان ناحیه ولادت یافت و تمام عمر خود را در همان دیار میگذراند و از عایدات املاک پدری خود معاش میکرد و مردی قانع و گوشه نشین بود و از دور مدایحی برای امرای خراسان و هرات و پادشاهان سربداری و کرت و طغانیسموریان میفرستاد و در زمان خویش بشاعری شهرت بسیار یافته بود و اقسام مختلف شعر از قصیده مدیحه و غزلیات و مقطعات میسرود و درین میان در تاریخ ۱۳ صفر ۷۴۳ در قندهار که در آن نواحی روی داد دیوان وی بغارت رفت و پس از آن اشعاری را که سروده بود بار دیگر تدوین کرد و در هشتم جمادی الاخره ۷۶۹ در همان اقامتگاه خود در گذشت و آنجا مدفون شد. شهرت عمده ابن یمین در شعر فارسی بواسطه مقطعات کوچکیست که در مسایل اخلاقی با کمال سادگی و روانی سروده و در شعر فارسی بی نظیرست و کلیات اشعار او آنچه تا کنون به ما رسیده شامل نزدیک ده هزار بیت اقسام مختلف شعرست.

۵ - **خواجه نظام الدین عبیدالله زاکانی قزوینی** از خاندان زاکانیان قزوین بود که از خانوادهای قدیم این شهر بشمار میرفت و مردان بزرگ از آن برخاسته اند و نژاد ایشان اصلاً عرب بوده است و وی در قزوین ساکن بوده و از علمای معروف زمان خود بشمار میرفته و زمانی نیز وزارت یافته است و درین ضمن سفری چند کرده و بیغداد رفته و مدتی در شیراز در پناه شیخ ابواسحق اینجو زیسته و در ضمن مدح سلطان اویس جلایر و شاه شجاع آل مظفر گفته و عاقبت بسال ۷۷۱ یا ۷۷۲ در گذشته است. عبید زاکانی در نظم و نثر فارسی در کمال قدرت بوده دیوان وی شامل قصاید و مقطعات تقریباً حاوی دو هزار بیتست و بجز آن مثنوی عشاق نامه را در ۵۷۱ سروده است که شامل ۵۰۰ بیت باشد و منظومه معروف موش و گربه نیز از دست و رسایل متعدد نثر فارسی بسیار شیوا دارد از آن جمله فال نامه، اخلاق الاشراف که در ۷۴۰ تمام کرده، ده فصل یا تعریفات، رساله دلگشا، صد یند که در ۷۵۰ نوشته، ریش نامه، تعریفات ملادریبازه.

عبید زاکانی در میان نویسندگان قرن هشتم مقام بسیار رفیعی دارد و آن اینست که نخست زبان فارسی را در نهایت شیرینی و لطف و انسجام ادا کرده و گذشته از آن در برابر خشکیها

وسالوسی‌های پیشوایان مذهب‌ی زمان خود قیام کرده و در تمام رسایل خویش بنظم و نثر دورویی و ظاهر پرستی ایشان را با کمال دلیری بمیان آورده است.

۶ - **خواجه عمادالدین فقیه کرمانی معروف بعماد فقیه** از معاریف غزلسرایان عارف پیشه قرن هشتم بود و در کرمان میزیست و خاتقاهی داشت و مردم زمان بسیار بوی معتقد بودند و پادشاهان آل مظفر امیر مبارزالدین محمد و شاه شجاع نسبت بوی احترام بسیار میکرده‌اند و عاقبت در کرمان بسال ۷۲۳ رحلت کرده است. کلیات عماد فقیه شامل شانزده هزار بیت از غزل و مثنویست، در غزل سبکی شبیه بسبک حافظ دارد و اشعار بسیار بلند میان آنها هست و مثنویهای متعدد سروده است از آن جمله محبت نامه بیدلان که در ۷۲۲ تمام کرده است و مونس الابرار که در ۷۶۶ پایان رسیده و صفانامه اتمام در ۷۷۶ و صحبت نامه اتمام در ۷۳۱ و محبت نامه در ۷۳۲ و طریقت نامه اتمام در ۷۱۶ و ده نامه وفایده الاخلاص.

۷ - **خواجه جمال‌الدین سلمان بن علاء‌الدین محمد ساوجی** از مردم ساوه و پدرش از مستوفیان دیوان مغول بود و وی در شهر ساوه ولادت یافت و در جوانی بنای شاعری گذاشت و در سبک مداحان خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین وزیر در آمد و پس از برچیده شدن اساس سلطنت مغول بدر بار پادشاهان جلایری در آمد و مداح مخصوص امیر شیخ حسن ایلبکان و زوجه‌اش دلشاد خاتون شد و در بغداد پایتخت ایشان اقامت ورزید و از حدود ۷۴۰ تادم مرگ مداح ابن خاندان بود و سلطان اویس و سلطان حسین را نیز مدح گفته است و مدتی نیز مداح شاه شجاع بوده و از ۷۷۷ بعد که وی تبریز را گرفته است با او مر بوط شده و در او آخر عمر آنرا اختیار کرده و در ساوه گوشه نشین شد و آنجا در ۱۲ صفر ۷۷۸ در گذشت. سلمان ساوجی از شعرای مقتدر قرن هشتم بود و در انواع مختلف شعر مهارت کامل داشت مخصوصاً در مدیحه که آخرین شاعر بزرگ این سبک بشمار میرود و در غزل نیز سبکی شبیه بسبک حافظ داشته است و در مثنوی عاشقانه نیز مهارت داشته و دو مثنوی سروده است یکی جمشید و خورشید بسبک خسرو و شیرین نظامی که در ۷۶۳ با اسم سلطان اویس تمام کرده و دیگر فراقنامه ببحر متقارب

که در ۷۷۰ بنام همان پادشاه تمام کرده است و کلیات اشعار او شامل نزدیک ده هزار

۸ - **خواجه شمس الدین حاجی محمد عصار تبریزی** از شعرای دربار

شیخ اویس جلایر بود و در ضمن بمدح امرای دیگر میپرداخت و در عصر خویش بسیار معروف بود. عاقبت از مدیحه سرایی دلسرده شد و با تروا پرداخت و در آن حال مثنوی مهر و مشتری را در دهم شوال ۷۷۸ در ۵۶۰ بیت نظم کرده است که یکی از بهترین منظومات بزعمی و عاشقانه زبان فارسیست و عاقبت در سال ۷۹۲ رحلت کرده است. دیوان غزلیات او نیز در دست است که در آن محمد تخلص کرده است و نیز چندین کتاب در عروض و قافیه نوشته و از آن جمله رساله‌ای بنام وافی فی تعداد القوافی.

۹ - **روح الدین عطار** از شعرای قرن هشتم بوده و در عراق میزیسته و باسید

جلال الدین عضد یزدی معاصر بوده و در سلك شعرای آل مظفر بشمار میرفته ولی از احوال وی اطلاعی نیست و دیوان اشعار وی شامل نزدیک دو هزار بیت غزل بدست است که در آن روح عطار تخلص کرده است و بعضی غزلیات بسیار شورانگیز دارد.

۱۰ - **سید جلال الدین بن سید عضد یزدی معروف بجلال عضد** از شعرای

معروف دربار آل مظفر بود، پدرش سید عضد وزارت امیر مبارز الدین محمد بن مظفر (۷۴۱ - ۷۶۵) داشت و وی در یزد ولادت یافت و از کودکی مورد توجه پادشاهان این سلسله واقع شد و همواره بدیشان پیوستگی داشت ولی طبع وی بمدایح مایل نبود و تمام هنر شاعری خود را در غزل سرایی بکار میبرد و غزلیات بسیار روان منسجم از او مانده است و دیوان وی شامل نزدیک چهار هزار بیت موجود است.

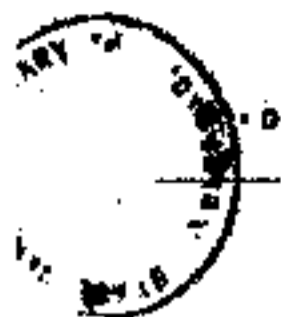
۱۱ - **بدر الدین چاچی** از مردم شهر چاچ ترکستان بوده ولی در هندوستان

در شهر دهلی میزیسته و شاعر مخصوص دربار غیاث الدین محمد بن تغلقشاه معروف بالغ خان سلطان محمد جونابن تغلقشاه بود که از ربیع الاول ۷۲۵ تا ۲۱ محرم ۷۵۲ سلطنت کرده و بدر چاچی همواره در دربار وی زیسته است و قصاید و مقطعات بسبک شعرای آذربایجان میسروده و آخرین شاعر بزرگ است که بدین سبک سخن سروده است و

دیوان وی شامل نزدیک دو هزار بیت موجود است و شاهنامه ای بنام الغ خان سروده که نزدیک سی هزار بیت دارد. در لغز و کنایات و استعارات استاد بوده است و بهمین جهت اشعار وی دشواریهایی دارد و جواشی و شروح متعدد بر آن نوشته‌اند از آن جمله شرحی از محمد عثمان قیس پسر حافظ غلام شاه خان بن محمد شرف الدین خان افغانی بنام نسخه عثمان خان که در ۱۲۶۴ در دو مجلد بزرگ بیابان رسانده است. بدرالدین چاچی در شعر گاهی بدر چاچی تخلص کرده است.

۱۲ - محمد بن بدر جاجرمی پسر بدر جاجرمی شاعر معروف قرن هفتم است که در اصفهان و عراق تا اواسط قرن هشتم می زیسته و خود نیز شاعر بوده و جامع کتابیست باسم مونس الاحرار فی دقایق الاشعار که حاوی بهترین اشعار یک عده کثیر از شعرای بزرگ ایرانست تا زمان مؤلف و آنرا در ماه رمضان ۷۴۱ تمام کرده ولی چنانکه گذشت (ص ۱۷۶) آنرا از کتابی بهمین اسم تالیف لطیف الدین احمد بن محمد ابن احمد بن محمد کلامی اصفهانی که در ۷۰۲ گرد آورده گرفته و در آن اندک تصرف کرده و در ضمن بعضی از اشعار خود را در آن آورده است.

۱۳ - ابو اسحق حلاج شیرازی معروف بیهیچ اطعمه از شعرای معروف اواخر قرن هشتم بود و در شیراز میزیست و ظاهراً تا اوایل قرن نهم نیز در حیوة بوده است و دو سال ۸۳۰ رحلت کرده و قبر او در شیراز معروفست. در عصر خویش شهرت بسیار داشته ولی از جزئیات زندگی او چیزی بهما نرسیده است. جز آنکه مورد توجه اسکندر بن عمر شیخ تیموری بود و وی مبتکر سبک خاصیت در شعر فارسی که همه جا اسامی غذاها و خوراکها را در میان آورده و بسیاری از غزلیات و قصاید شعرای سلف یا معاصر خود را جواب گفته و تقلید کرده است و این سبک را پس از او احمد اطعمه در قرن نهم و اشتهای اصفهانی در قرن سیزدهم و میرزا تقی خان دانش از معاصرین در دیوان حکیم سوری تقلید کرده‌اند و دیوان ابو اسحق که شامل نزدیک سه هزار بیت نظم و نثر و اقسام مختلف شعر بهمین سیاقست باسم دیوان اطعمه شهرت دارد و معروفست و فواید عمده آن آنست که بسیاری از اسامی غذاها را نگاه داشته است و یک مثنوی



در همین زمینه بنام کنز الاشتها و نیز مناظره اطعمه ای بنشر دارد.

۱۴ - **خواجه شمس الدین محمد بن بهاء الدین حافظ شیرازی** معروف ترین شاعر قرن هشتم و یکی از چهارتن از بزرگترین شعرای ایران که معروف جهان شده اند پدران وی بشیراز هجرت کرده اند و وی در آن شهر ولادت یافته و در جوانی از مدارس و مجالس درس علمای زمان خود بهره مند شده و حافظ قرآن گردیده است به همین جهت در شعر حافظ تخلص کرده و از زمره شاگردان قوام الدین عبدالله (متوفی در ۷۷۲) عالم معروف آن زمان بوده است. نخست در سلك مداحان ابو اسحق اینجو درآمده و سپس پیادشاهان آل مظفر پیوسته و شاه شجاع و شاه منصور از امرای این خاندان را مدح گفته است و درین ضمن با پادشاهان ایلکانی جلایر که در مغرب ایران سلطنت داشته اند و شعرارا بسیار مینواخته اند از دورروابطی داشته و سلطان احمد بن شیخ اویس (۷۸۴ - ۸۱۳) را مدایح مینگفته است و عاقبت در شیراز بسال ۷۹۱ رحلت کرده و در آنجا مدفون شده است. حافظ در زمان زندگی خود از حاجی قوام الدین حسن شیرازی کلاقرشهر شیراز (متوفی در ۷۵۵) بیش از دیگران متنعم شده به همین جهت اغلب از وی یاد کرده است و با این همه مدایحی که در حق این معدوحین دارد بجز يك دو بیت نیست که در ضمن سخنان خود آورده است و وی را جزو شاعران مداح نمیتوان شمرد بلکه ظاهراً تمام عمر خود را در گوشه نشینی و عزلت گذرانده و در حیات خویش شهرت عظیمی داشته است. در زبان فارسی نظیر غزلیات حافظ که جامع بین اشعار عاشقانه و افکار عارفانه ایرانست نیست به همین جهت یکی از بزرگترین شعرای جهان شمرده میشود و از حیث نظم در لطف تر کتب و تالیق و در بی نیازی در فکر و استقلال در اندیشه بمنتهای اوج شاعری رسیده است. دیوان اشعار او بر آکه محمد گلندام یکی از معاصرین و همدرسان زمان کودکی او جمع کرده است باید در رأس کتابهای زبان فارسی قرار داد و به همین جهت همواره مورد اقبال عظیم از جانب تمام طبقات مردم ایران بوده است و آن شامل نزدیک چهار هزار بیت است و بر آن شرحهای چند نوشته اند از آن جمله: شرح محمد یوسف علی شاه چشتی نظامی بنام شرح یوسفی یزبان اردودر ۱۳۰۷

مفتاح الکنوز علی حافظ الرموز از قطب الدین قندهاری ، بدرالشروح از بدرالدین اکبر آبادی ، شرح مشکلات دیوان حافظ از پیر مراد متخلص بمشفق ، شرح دیوان حافظ از افضل الله آبادی ، بحر الفراسة الالفاظی شرح دیوان حافظ از عبیدالله خویشکی چشتی متخلص بعبیدی . بزبان ترکی نیز سه شرح بر آن نوشته اند ؛ شرح مصطفی بن شعبان سروری در گذشته در ۹۶۹ ، شرح شمعی در گذشته در حدود سال ۱۰۰۰ ، شرح سودی بسنوی متوفی در حدود ۱۰۰۰ . دیوان حافظ یا منتخبات آنرا بیرخی از زبانهای اروپایی مانند فرانسه و آلمانی و انگلیسی و روسی و لهستانی و نیز ترکی و عربی ترجمه کرده اند .

(۱۵) سراج الدین قهری قزوینی از شعرای معروف قرن هشتم بود و در دربار سلطان ابوسعید میزیست و با عبیدزاکانی و سلمان ساوجی مشاعره و معارضه داشته و در ۷۳۵ در گذشته است و دیوان اشعاروی که بیشتر قصاید و غزلیات بسبک شعرای عراقست شامل نزدیک دو هزار بیتست .

(۱۶) جمال الدین محمد بن حسام هروی معروف بابن حسام اصلاً از مردم خواف بود و در هرات سکنی داشت و از شاعران مخصوص ملک شمس الدین کرت و فرزندان وی بود و ظاهراً در اواخر عمر در کرمان زیسته است و در عصر خویش در شاعری شهرت بسیار داشت و وی بجز جلال الدین بن حسام معروف بابن حسام سرخسیست که از شعرای قرن هفتم بوده و ذکر او گذشت و نیز بجز محمد بن حسام الدین مشهور بابن حسام قهستانیست که از شعرای معروف قرن نهم بوده و دیوان مدایح او معروفست و این ابن حسام خوافی هروی در سال ۷۳۷ در گذشته و بجز بعضی غزلیات از اشعار او چیزی نمانده است و غزل را بسیار نیک میسروده و درین فن معروف بوده و در غزل ابن حسام و محمد نخاس میکرده است .

(۱۸) صدرالدین بن خطیب پوشنگی معروف بابن خطیب و متخلص بریعی از شعرای نامی قرن هشتم بود و مشهورترین شاعر سلسله آل کرت بشمار میرفت و در دربار ایشان در هرات میزیست . پدرش خطیب پوشنگ قصبه ای نزدیک هرات بود و خود در دربار

ملك فخرالدین بن رکن‌الدین بن شمس‌الدین آل‌گرت میزیسته که از ۶۹۵ تا ۷۴۰ شعبان ۷۰۶ حکمران هرات بوده و بدانشمندان و شعرا توجهی داشت و خود شعر فارسی میگفت و نزدیک چهل شاعر نامی در دربار او بودند و از آن جمله ربیعی بود و هفده سال در دربار این پادشاه بمداحتی او مانده است و سپس در سال ۷۰۲ بحبس افتاد و سبب آن بود که وی از خواص اندمای پادشاه بود و ماهی هزار دینار از خزانه او میگرفت و چون مردی عیاش بود هر چه مییافت صرف نوش خواری میکرد و باز زیاده بر آن میخواست و چون ملك فخرالدین ب‌شرب بنگ عادت داشت بسیار میشد که میان ایشان بسبب اختلاف مشرب مناقشه میشد و در نتیجه ربیعی از ملك فخرالدین بدگمان شد و ب‌قهستان رفت و در سلك ملازمان شاه علی‌بن ملك نصیرالدین سیستانی از آل‌خلف در آمد و روزی در مجلس شراب از فخرالدین بدگویی کرد، شاه علی ازو رنجید و باو دوست دینار داد و ویرا از دربار خود راند و گفت که مردی حق ناشناست و مدتی در دربار فخرالدین بوده و ازو بدگویی میکند باشد که با من نیز چنین کند. ربیعی از قهستان بنیشابور رفت و از آنجا عازم عراق شد. فخرالدین از ترس اینکه مبادا ربیعی نزد دیگران ازو بدگویی کند نامه ای باو نوشت و او را بخود خواند و ربیعی چون اطمینان نداشت جوابی منظوم نوشت و دعوت او را رد کرد، فخرالدین بخط خود امان نامه‌ای باو فرستاد و ربیعی بهرات برگشت و او را با احترام پذیرفتند ولی پس از چندی باز در مجلس شراب ربیعی با یاران خود بنای لاف‌زدن گذاشت و ازیشان بیعت گرفت که بمملکت گیری بپردازند و چون بامداد این‌خبر ب‌فخرالدین رسید هفتاد کس ازیشان را دستگیر کردند و همه منکر شدند جز ربیعی که اقرار کرد و ملك فخرالدین بعضی ازیشان را کشت و مثله کرد و ربیعی را بحبس افکند و هر چه وی عذر خواهی کرد بجایی نرسید و در قلعه خیصار در حبس ماند تا مرد و تاریخ رحلت او را در ۷۰۲ و در ۷۴۰ نوشته‌اند و ظاهراً قول اول معتبر ترست. ربیعی شاعر توانایی بوده و بفرمان ملك فخرالدین منظومه‌ای ب‌بهر متقارب بسبك فردوسی باسم گرت‌نامه در تاریخ آل‌گرت سروده است و نیز در حبس قلعه خیصار منظومه‌ای باسم گرت‌نامه سروده است و قصاید

بسیار در مدح ابن پادشاه داشته است ولی اینک از اشعار وی جز بعضی آیات چیزی بدست نیست .

۱۸ - شیخ امین الدین کازرونی از عرفای معروف قرن هشتم فارس بود و در شیراز در زمان شاه شجاع میزیست و منصب شیخ الاسلامی فارس داشت و جمعی کثیر از بزرگان آن زمان مانند خواجه کرمانی و حافظ شیرازی بوی ارادت داشته اند و در سال ۷۴۵ در گذشت . وی شعر فارسی را نیکو میسروده است ولی از اشعار او اندکی باقیست .

۱۹ - خواجه عمیدالملک رکن الدین صاین هروی معروف برکن جهان یا رکن صاین از قاضی زادگان سمنان بود ولی مدتی در هرات میزیست و منصب پیش نمازی طغا تیمور خان را داشت و نزد او مقرب بود و طغا تیمور پیش او درس میخواند ولی بسبب بد کوی که از وی کرده بود رکن صاین را بزندان افکند و وی پس از رهایی از آن بند بدربار آل مظفر شتافت و از مختصان امیر مبارزالدین شد و در سلك وزراء درآمد و سپس در زمانی که شاه شجاع و شاه محمود بکشتن پدرشان امیر مبارزالدین قیام کردند وی در آن واقعه زخم برداشت و شفا یافت و ملازم شاه شجاع شد و با وی بیزد رفت و در همانجا رحلت کرد و فوت او را در سال ۷۶۵ نوشته اند . رکن صاین از معاریف شعرای آل مظفر بود و غزل را بسیار نیکو میسرود و دیوان وی شامل نزدیک سه هزار بیت بدستست و وی در انشا نیز دست داشته و منشآت او معروف بوده است .

۴۰ - مظفر هروی اصلاً از مردم خواف و از قریه خضروان بود ولی در هرات میزیست و معاصر با ملک معزالدین حسین کورت بود و ویرا مدح میگفت و مردی بسیار مغرور و متکبر بود و خود را از شاعران دیگر از همه برتر میدانست چنانکه دیگران را قابل سخن خود نمی شمرد و هنگام مرگ دیوان اشعار خود را در آب انداخت و می گفت پس از من هیچکس قدر سخن مرا نخواهد دانست و نسبت باین جهان و اسباب آن بی اعتنا بود و بی تکلف میزیست و جامه چرکین میپوشید و چون او را منع میکردند

میگفت بزیبایی معنی نگرید و با آنکه صلت های وافر میگرفت در آرایش ظاهر نمی کوشید و عاقبت در سال ۷۶۷ در گذشت. مظفر هروی یکی از شعرای قادر زمان خویش بوده و قصیده مدیحه را بسبک شعرای عراق بسیار نیکو می سروده است، چنانکه او را خاقانی دوم لقب داده بودند ولی از اشعار وی جز اندکی نمانده است.

۴۱ - حسن متکلم کاشانی یا نیشابوری از شعرای معروف خاندان کرت بود و خود نسبت خویش را بسامانیان میرسانده و شاعر دربار ملک معزالدین حسین و ملک غیاث الدین پیر علی آخرین پادشاهان این سلسله و در شاعری شاگرد مظفر هروی بوده و در شعر عربی و فارسی دست داشته است و رساله های در صنایع شعر با اسم ملک غیاث الدین تألیف کرده بود و عاقبت در سال ۷۷۱ در گذشت. حسن متکلم در شعر فارسی بسیار قادر بوده و سبکی شبیه بسبک منوچهری داشته است ولی از اشعار او جز اندکی باقی نمانده است.

۴۲ - میر کرمانی از معاریف غزل سرایان قرن هشتم و از مشاهیر شعرای کرمان بود و در زمان سلطان اویس جلایر میزیست و در زمان خود شهرت بسیار داشت، از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست و دیوان او شامل نزدیک هشت هزار بیت بدستست و غزل عارفانه بسبک عماد فقیه و عراقی را در نهایت خوبی سروده و ازین حیث یکی از بهترین شعرای ایرانست و دو مثنوی بنام مجمع اللطایف در ۷۳۲ و درج اللئالی در ۷۲۶ سروده است.

۴۳ - شاه ناصر یادرویش ناصر بخاری نیز از معاریف شعرای این عصر بود و در سبک درویشان میزیست و سفر بسیار میکرد و قناعت پیشه بود و گاهی مدیحه با اسم سلطان اویس جلایر می سرود و در سال ۷۷۳ رحلت کرد. ناصر بخاری قصیده و غزل را بسبک شعرای عراق نیکو می سروده است کلیات او شامل چهار هزار بیت در دستست و بجز قصیده و غزل يك مثنوی بنام هدایت نامه بیجر متقارب سروده است.

۴۴ - شمس الدین محمود شیرین مغربی از معاریف شعرا و عرفای اواخر قرن هشتم بود. مولد وی نایین بود و سفری بدیار مغرب کرده ولی ظاهراً بیشتر ایام

خود را در تبریز گذرانده و بهمین جهت بتبریزی معروف شده است. در تصوف از شاگردان شیخ اسمیل سیسی سمنانی بوده و عاقبت در ۸۰۸ یا ۸۰۹ در سن ۶۰ سالگی در گذشته و بعضی مرفدوی را در محله سرخاب تبریز و بعضی در اصطهبانات فارس دانسته اند. مغربی غزل را بسبب مخصوص عرفای ایران در منتهای روانی می سروده و دو ترجیع بند بسیار معروف در توحید دارد که بسیاری ازو تقلید کرده اند. دیوان وی نزدیک دو هزار بیت غزلست که در آن میان غزلیات بسیار شورانگیز دارد.

۳۵ - لطف الله نیشابوری از شعرای معروف اواخر قرن هشتم بود و تمام عمر خود را در نیشابور گذرانده و در آنجا مدایحی بنام امیر تیمور گورکان سروده و بیشتر اختصاص داشته است بمداحی پسر وی امیرانشاه میرزا و در ضمن مردی زاهد و گوشه نشین بود و در قناعت میزیست و در اواخر عمر از نیشابور بقریه اسفزیس رفت که درین زمان بقدمگاه معروفست و در آنجا بسال ۸۱۰ یا ۸۱۶ در گذشت و همانجا مدفون شد. لطف الله نیشابوری در اقسام مختلف شعر مخصوصاً در قصاید و مدایح بسیار مهارت داشته و قصاید بسیار در نعت ائمه سروده است و دیوان وی نزدیک چهار هزار بیت بدستست.

۳۶ - تاج الدین علی بن محمد معروف بتاج حلاوی نیز از شعرای نامی قرن هشتم بود و در زمان خویش شهرت بسیار داشت و مؤلف کتابیست در محسنات کلام و فن شاعری باسم دقایق الشعر که از جمله کتابهای معتبر و مفید این فنست.

۳۷ - حسن نیز از شعرای قرن هشتم بوده و از احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه منظومه‌ای ساخته است باسم بحر الصنایع در محسنات کلام و در فنون شاعری که در ۷۳۱ سروده و هرچند شعر آن سستست و پیدا است که در شاعری مهارت نداشته از حیث مطلب کتاب او جالب توجهست.

۳۸ - کمال الدین مسعود خجندی از عرفا و شعرای بسیار معروف قرن هشتم بود و در خجند ولادت یافت و در جوانی بعزم حج از دیار خود بیرون رفت و در بازگشت ازین سفر بتبریز رسید و در آنجا اقامت کرد و جمعی کثیر شاگردان و

مریدان کرد او را گرفتند و چون تغمش خان پادشاه در بند تبریز را گرفت وی را گرفتار کرد و فرمان زن خان بدشت قبچاق بردند و در شهر سرای چهار سال از ۷۸۷ تا ۷۹۰ نگاهداشتند و در آنجا ویرا مریدان بسیار فراهم آمدند و درین سفر ویرا با عبیدالله شاشی عارف معروف صحبت رویداد و پس از چهار سال باز بتبریز برگشت و چون همواره با پادشاهان جلایر روابط داشت این بار سلطان حسین بن اویس جلایر برای او در تبریز خانقاهی ساخت و موقوفاتی برای خاتقاه او بر قرار کرد و پس از آن تا زمان تیمور گورکان هم زنده بود و با پسر وی امیرانشاه میرزا روابط داشت و عاقبت در تبریز سال ۷۹۲ یا ۸۰۳ رحلت کرده است و در باغی که زاویه او در آنجا بوده وی را بخاک سپرده اند و تاریخ دوم معتبرتر است. کمال خجندی غزل عارفانه را در نهایت روانی و خوبی میسر وده و ازین حیث یکی از بهترین شعرای ایرانست. دیوانش شامل نزدیک هشت هزار بیت موجود است.

۴۹ - ابن نضوح شیرازی معروف بفارسی از بزرگ زادگان فارس بود و در

زمان سلطان ابوسعید بهادر میزیست و با خواجه غیاث الدین محمد وزیر پسر رشید الدین فضل الله روابط داشت و در ۷۳۷ در گذشت. ابن نضوح شاعر توانایی بوده و دوشنوی دارد یکی باسم ده نامه که بنام غیاث الدین محمد سروده و دیگر باسم محبت نامه ولی اینک از اشعار او جز چند بیتی باقی نیست.

۴۰ - صفی الدین ابوالفتح اسحاق بن امین الدین جبرئیل موسوی اردبیلی

عارف بسیار مشهور قرن هشتم وجد پادشاهان صفوی بود. نسب ویرا با امام موسی کاظم میرسانند. وی در سال ۶۵۰ ولادت یافته و بجز چند سفری که بفارس و گیلان کرده است همواره در قریه کلخوران نزدیک اردبیل اقامت داشته و در آذربایجان و موقان و اران مریدان بسیار داشته است و در زمان خود نفوذ عظیمی داشته است و خواجهرشید الدین وزیر در حق وی رعایت بسیار می کرده است و هر سال مبالغی هنگفت برای او میفرستاده است. شیخ صفی الدین نخست در اردبیل دانش آموخت و چون از دانشمندان آن شهر بی نیاز شد در پی پیری میگشت که او را ارشاد کند و چون شنید که شیخ نجیب الدین بزرگ

شیرازی در شیراز حلقهٔ تصوف دارد آهنگ شیراز کرد و چون بآنجا رسید شیخ نجیب الدین در ۶۷۸ در گذشته بود و چندی در حلقهٔ مریدان شیخ رکن الدین بیضاوی و امیر عبدالله که از مشایخ معروف آن زمان بودند درآمد و امیر عبدالله او را بشیخ تاج الدین ابراهیم بن روشن امیر بن بابک بن شیخ بندار کردی سنجانی گیلانی معروف بشیخ زاهد گیلانی عارف مشهور آن زمان که در گیلان میزیست هدایت کرد و شیخ صفی الدین چهار سال در پی شیخ زاهد میگشت تا اینکه در روستای حلیه کران در ناحیهٔ خانبلی در گیلان باورسید و تا زمان مرگ شیخ زاهد بیست و پنج سال در حلقهٔ مریدان او بود و داماد او شد و پس از مرگ او در همان طریق جانشین وی شد و درین زمان گاهی در لاهیجان و گاهی در اردبیل زیسته است. در پایان زندگی بجای رفت و پیش از رفتن پسرش صدر الدین را بجای خود گذاشت و در بازگشت ازین سفر بیمار شد و پس از دوازده روز بیماری در روز دوشنبهٔ دوازدهم محرم ۷۳۵ در اردبیل در ۸۵ سالگی در گذشت و فرزندان او مخصوصاً پادشاهان صفوی بر سر خاک او بنای بسیار باشکوهی ساختند که اینک بقعهٔ شیخ صفی الدین معروفست و از بناهای تاریخی باشکوه ایران بشمار میرود. شیخ صفی الدین زنی داشت بنام بی بی فاطمه که دختر شیخ زاهد بود و ازو سه پسر داشت محیی الدین که در سال ۷۲۴ پیش از پدر در گذشت و صدر الدین موسی که در ۷۹۴ در گذشت و جانشین پدر شد و پسر سومش ابوسعید نام داشت و زن دیگری داشت که دختر اخی سلیمان کلخورانی بود و ازو دو پسر داشت علاء الدین و شرف الدین و دختری که بشیخ شمس الدین پسر شیخ زاهد داد. شیخ صدر الدین پسر دوم شیخ صفی الدین نبای خاندان صفویست که بمناسبت لقب جد خود نام خاندان خویش را صفوی گذاشته اند. صفی الدین مؤسس طریقه ایست در تصوف که بنام صفوی معروفست و چون پیروان او کلاه سرخ دوازده تری بر سرخ میگذاشتند آنها را بزبان ترکی «قرل باش» یعنی سر سرخ مینامیدند و صفویه چون بیاری ایشان پادشاهی رسیدند همان کلاه را تاج سلطنت کردند. شیخ صفی الدین بزبان فارسی شعر میگفته و از اشعار او چند بیتی باقی مانده است.

(۳۱) مولانا حسن کاشی از شعرای نامی سدهٔ هشتم و مرد دانشمندی بود. پدران

از مردم کاشان بوده اند و وی در شهر آمل بجهان آمده و در آنجا پرورش یافته است و سفری بحج و زیارت بقاع متبرکه که عراق رفته و در پایان زندگی در شهر سلطانیه میزیسته و در آنجا در آغاز سده هشتم در گذشته است. اختصاصی که اشعار وی دارد اینست که بیشتر آنها را در ستایش ائمه سروده و وی یکی از نخستین شعرای فارسی زبانست که اشعاری در مدایح ائمه گفته اند و از آن جمله هفت بند معروف است که از معروف ترین اشعار درین زمینه است و ابن حسام هروی و نظام استرآبادی و محتشم کاشانی پیرو سبک او بوده اند.

۳۲- مولانا جلال الدین احمد بن یوسف بن الیاس طبیب خوافی شیرازی

برادر زاده نجم الدین محمود سابق الذکر (ص ۱۹۰) و از دانشمندان نامی و شعرای معروف فارس در سده هشتم بود. اصلاً از مردم خواف بوده و در شیراز در زمان پادشاهان آل مظفر حکیم و طبیب معروفی بشمار میرفته و شاعری زبردست بوده و مخصوصاً با شاه شجاع آل مظفر مناسبات داشته و در ۷۵۴ سفری بمصر کرده است. منظومه گل و نوز را در سال ۷۳۴ پیایان رسانده و آن منظومه در آن زمان چنان شهرت کرده بود که گویند نسیمی نیشابوری که خوشنویس بوده است در یکماه بیست نسخه از آن نوشته است و وی غزل را مخصوصاً خوب میگفته و در غزل گاهی طبیب و بیشتر جلال تخلص میکرده و دیوان غزلیات او شامل سه هزار و دوپست بیت بدستست و شعر تازی نیز بهیچ سروده است.

۳۳- شیخ کجج تبریزی از معارف دانشمندان و شعرای قرن هشتم در آذربایجان

بوده و در زمان شیخ جمال الدین ابوالحسن اویس جلایر (۷۵۷ - ۷۷۶) و پسرش جلال الدین حسنین (۷۷۶ - ۷۸۴) شیخ الاسلام تبریز بوده است و مردی بسیار محترم بشمار می رفته و خانقاه معروفی داشته و از زمان امیر تیمور کوزکان بازماندگان او در تبریز همان مقام زداشته اند و وی غزل را خوب میگفته و اشعار وی در زمان او شهرت بسیار داشته است.

۳۴- ابوالاحمد عماد الدین عبد الملك بن عصام بن ابوبکر بن محمد بن

عبد الرحیم بن ابوبکر بن علی صاحب الهدایه معروف بخواجه عبد الملك سمرقندی از بزرگان علمای سمرقند و از خاندان معروفی بود که همه در سمرقند از

دانشمندان نامی بوده‌اند و وی شیخ الاسلام سمرقند بوده و تا زمان امیر تیمور گورگان درین مقام بوده است و بازماندگان او تا قرن نهم از بزرگان سمرقند بوده‌اند و وی دانشمند کاملی بوده و در ماه شعبان ۷۸۲ به سفارت از سمرقند به فارس رفته و چندی در شیراز مانده است و شعر تازی و پارسی را خوب می‌گفته و در شعر عصامی تخلص می‌کرده و بساطی سمرقندی شاعر معروف از شاگردان او بوده است .

۳۵- سید شاه فضل الله نعیمی تبریزی از بزرگان مشایخ صوفیه و شعرای اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده و از جمله مریدان امیر حسینی عارف مشهور بشمار میرفته و دانشمند کاملی بوده و شعر عارفانه را بسیار خوب می‌گفته از آن جمله ترجیع بند معروفی از او مانده است .

۳۶- شمس الدین تبریزی نیز از عرفای نامی قرن هشتم بوده و وی را با شمس الدین تبریزی عارف مشهور قرن هفتم که مرشد جلال الدین مولوی بوده اشتباه کرده‌اند و این شمس الدین تبریزی اشعار عارفانه خوب دارد از آن جمله ترجیع بندی که معروفست و منظومه‌ای بنام مرغوب القلوب که در ۷۵۷ نظم کرده است .

۳۷- حاجی ناصر الدین حسین بن هبة الله بن حسین خطیب معروف بناصر خطیب شغوی از دانشمندان و شعرای معروف شیراز در نیمه دوم قرن هشتم بوده و تا ۷۸۲ زنده بوده است و شعر فارسی را خوب می‌گفته و در ضمن ملامعاتی بزبان پارسی و تازی و لهجه شیرازی می‌گفته است .

۳۸- جلال الدین فریدون بن عکاشه نیز از نویسندگان و شعرای نامی همان زمان بوده و مداح جلال الدین مسعود شاه و شیخ ابواسحاق اینجو بوده و مخصوصاً دیر زبردست بشمار میرفته و در ساختن قصاید مصنوع و موشح دست داشته از آن جمله دو قصیده دارد یکی بنام ربیعیه و دیگری بنام رحیقیه که مقدمه‌ای منشیانه بنشر بر آنها نوشته است و شعر تازی و پارسی را خوب می‌گفته و در شعر عکاشه تخلص می‌کرده است .

۳۹- خواجه جلال الدین نعمان بن محمود بن اصیل از وزراء و ادبای نامی فارس در همان زمان بوده و در شیراز میزیسته و تا ۷۸۲ زنده بوده و شعر فارسی خوب

میگفته است .

۴۰- جمال الدین حاجی منشی نیز از ادبای شیراز بوده که تا ۷۸۲ زنده بوده و شعر فارسی را بسیار خوب میگفته است و کتابی نوشته است بنام غرایب الاخبار و نوادر الآثار .

۴۱- ابو اسحق فخر و فاضل که او نیز از شاعران و ادیبان نامی شیراز بوده و تا ۷۸۲ میزیسته و شعر فارسی را خوب میگفته است .

۴۲- سید عزالدین مطهر بن عبدالله بن علی حسینی نخست از شاعران آذربایجان و مداح شیخ اویس جلایر بوده و سپس بفارس رفته و از شعرای بسیار معروف فارس و از مداحان خاص شاه شجاع بوده و تا ۷۸۲ در آن جا میزیسته است و سپس به هندوستان رفته و از شاعران دربار تاج الدین فیروز شاه بهمنی بوده و در ۱۵ شوال ۸۲۵ در گذشته و دیوان اشعار او بدست است و غزل و قصیده را خوب میگفته است .

۴۳- نظام الدین حسن حسینی آملی که او نیز از شعرای نامی فارس در همان زمان بوده و تا ۷۸۲ در شیراز میزیسته است و غزل را بسیار خوب میگفته و حسن نخلص میکرده است .

۴۴- نجم الدین محمود مذهب نیز از شعرای نامی فارس در همان دوره بوده و تا ۷۸۲ در شیراز زندگی میکرده و انواع شعر را خوب میگفته است .

۴۵- شیخ الاسلام حاج معین الدین ابوالقاسم جنید بن محمود بن محمد بن اسعد بن مظفر بن محمد بن مظفر بن روز بهان بن طاهر واعظ عمری ربهمی قرشی شیرازی که لقب او را بخط صدرالدین و نجم الدین و نام و نسبش را نیز بخط محمود بن محمد جنید ضبط کرده اند از بزرگان دانشمندان فارس و خطیب جامع عتیق شیراز بوده و خاندان وی همه دانشمندان معروف آن سر زمین بوده اند و وی سفری باصفهان کرده و پس از ۸۰۰ در گذشته و مؤلف کتاب بسیار معروفیست بزبان تازی بنام شد الاوزار فی حط الاوزار عن زوار المزار در مشاهده شیراز که بنام هزار مزار معروفست و پسرش عیسی آنرا بنام ملتئم الاحباء بفارسی ترجمه کرده و شاعری صوفی

مشرب شیرین سخن با ذوق بوده و غزلیات شیوایی گفته که بغزلیات حافظ تا اندازه‌ای شبیهست و دیوان او شامل نهمصد بیت بدستست. پسر دیگر وی رکن الدین یحیی کتاب سیرت ابو عبدالله بن خفیف را بفارسی ترجمه کرده است.

۴۶ - شمس الدین محمد بن علی کاشانی از شعرای نامی اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده و در حدود ۷۳۰ در گذشته و وی منظومه‌ای در تاریخ مغول سروده که در زمان الجایتو (۷۰۳ - ۷۱۶) پایان رسانده و نیز تاریخ غازان خان را بنظم آورده است و دیوان اشعار او هم بدستست.

۴۷ - ناصر الدین خسرو اصفهانی معروف بناصر خسرو از شعرای صوفی مشرب قرن هشتم بوده و در ۷۳۱ در گذشته است و از جمله اشعار او ترجیع بند معروفست و او را برخی با ناصر خسرو قبادیانی حکیم و شاعر معروف قرن پنجم اشتباه کرده‌اند.

۴۸ - جهان ملک خاتون دختر جلال الدین مسعود شاه اینجو حکمران فارس که از ۷۳۶ تا ۷۴۰ پادشاهی کرده و در ۱۹ رمضان ۷۴۳ کشته شده است. مادرش سلطان بخت دختر دمشق خواجه پسر امیر چوپان و خواهر دلشاد خاتون بوده است و خود همسر خواجه امین الدین جهرمی ندیم شاه شیخ ابواسحق اینجو بوده است. معاصر مغیث الدین احمد جلایر (۷۸۲ - ۸۱۳) و از زنان معروف قرن هشتم بوده که شعر فارسی را بسیار خوب می‌گفته و دیوان او شامل چهارده هزار بیت بدستست و جهان تخلص می‌کرده است.

۴۹ - محمد یوسف گدا که او نیز از شعرای نامی قرن هشتم بوده و دیوان اشعاری داشته و از آن جمله قصیده‌راییه ایست بنام تحفة النصابیح که در روز آدینه ۱۰ ربیع الاول ۷۹۵ تمام کرده است.

۵۰ - علی شاعر که کتاب اشرف التواریخ قاضی عضدالدین ایچی را بنام زبدة التواریخ فی ترجمه اشرف التواریخ بفارسی ترجمه کرده و بیش ازین از احوال او اطلاعی نیست.

۵۱ - ابن عماد شیرازی از معارف شعرای فارس بوده که در ۸۰۰ در گذشته اصل وی از خراسان بوده ولی در شیراز می‌زیسته و بیشتر در مناقب ائمه شعر میگفته و غزل را هم خوب میسروده است و از آثار او دو مثنوی هم مانده است یکی بنام ده نامه که یکی از بهترین آثار ادبی قرن هشتم است و در ربیع الاول ۷۶۸ بیابان رسانده و دیگر بنام روضة المحبین که آنهم مثنوی شیواییست و آنرا در ۷۹۴ در ۷۶۰ بیت تمام کرده است .

۵۲ - امام فخرالدین یحیی بن معین شیرازی معروف بابن معین از ادبا و شعرای اواسط قرن هشتم فارس بوده و از ۷۴۱ تا ۷۸۲ آثار او هست و وی غزل را بسیار خوب میگفته و ابن معین تخلص میکرده است .

۵۳ - شاه رکن الدین محمود سنجانی خوافی معروف بشاه سنجان خوافی از بزرگان عرفای قرن هشتم ایران از سلسله چشتی بوده و از مشایخ نامی آن طریقه بشمار میرفته و خلیفه مودود چشتی بوده و چندی در چشت زیسته و در ۷۹۷ در گذشته است و وی شعر عارفانه مخصوصاً رباعی را خوب میگفته و بعضی رباعیات بنام او مانده است .

۵۴ - سید محمود بن علی حسنی کلمستانه از ادبای نامی قرن هشتم بوده و مؤلف کتابت بنام انیس الوحده و جلیس الخلوه که در آداب و اخلاق نوشته و از کتابهای سودمند زبان فارسیست و در آنجا برخی از اشعار فارسی و تازی خود را آورده و پیدا است که شعر فارسی و تازی را خوب گفته است و در شعر محمود تخلص میکرده است .

۵۵ - حکیم یا حکیمی ترمذی از شعرای صوفی مشرب اواخر قرن هشتم و از پیروان شاه نعمه الله ولی بوده و غزل و ترجیع بند عارفانه را نیکو میگفته و دیوان اشعار او بخط پسرش علی بن حکیم ترمذی که در ۸۳۶ نوشته بدستست .

۵۶ - جلال الدین عتیقی تبریزی پسر قطب الدین عتیقی تبریزی از شعرای قرن هفتم بوده است و وی در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم میزیسته و باخواجه رشید الدین فضل الله وزیر مناسباتی داشته و او هم مانند پدر عتیقی تخلص میکرده و

از اشعار او اندکی مانده است .

۵۷- شیخ نظام الدین محمد بن علی بن دائیال دهلوی معروف بشیخ نظام اولیا

از بزرگان عرفای قرن هشتم در هندوستان بوده و مردم آن دیار او را سلطان المشایخ میخواندند . جدش خواجه علی بخاری و جد مادریش خواجه عرب نام داشته اند و هر دو از بزرگان زمان خود بوده اند و با یکدیگر از ماوراء النهر به هندوستان رفته اند و در سرزمین بداون از مضافات سنبل مسکن گرفته اند و در آنجا با یکدیگر وصلت کرده اند و باز مانند گانشان در هند میزیسته اند و نظام الدین در بداون در سال ۶۳۶ ولادت یافته و نسبش بدوازده پشت با امام هشتم میرسینده و سپس بدهللی رفت و در خردسالی پدرش در گذشت و شیخ فریدالدین دهلوی معروف بشکر گنج عارف نامی هندوستان که از خویشاوندان او بود وی را پرورش داد و از دوازده سالگی در خدمت او بود و چنان پرورش یافت که در ۲۰ سالگی معروف بود و در آن زمان از دهلی با جودهن که از توابع دهلی و مسکن شیخ فریدالدین بود رفت و پس از چندی که اجازه ارشاد گرفت بدهللی بازگشت و همچنان در آن شهر در محله غیاث پور میزیست و مریدان بسیار داشت و مردی بسیار پرهیز کار بود و درباره او کرامات بسیار نوشته اند و سرانجام عصر چهارشنبه ۱۸ ربیع الاول ۷۲۵ در ۹۴ سالگی در دهلی در گذشت و در مقبره شیخ فریدالدین شکر گنج که از بقاع متبرک معروف دهلیست او را بنحاک سپردند و مزار او تا کنون زیارتگاهست و روزهای چهارشنبه مردم بزیارت وی میروند . شیخ نظام الدین از بزرگان مشایخ طریقه چشتیست که از معروف ترین طریقه های تصوف در هندوستان بوده است و مولانا علاءالدین نیلی قاری سجزی دهلوی ملفوظات وی را بنام « فواید الفواد » در کتابی گرد آورده و دیگری از شاگردان او بیانات وی را که از ۶۸۹ تا ۶۹۰ کرده بنام راحة المحبین جمع کرده و وی شعر فارسی را بروش عرفا بسیار خوب میگفته است و کتابی بنام راحة القلوب در مناقب مرشد خود فریدالدین نوشته است .

۵۸- زین الدین محمد بن ابراهیم بن مصطفی بن شعبان عطار همدانی

اصلا از مردم زنجان و از شعرای درجه دوم قرن هشتم بوده که در اواخر قرن هفتم

و اوایل قرن هشتم میزیسته است و چندان در شعر دست نداشته و در ۷۲۷ کشته شده است و ازو چهار مثنوی مانده است یکی مثنوی معروف بترجمة الاحادیث یا مواعظ که نزدیک دو هزار بیت دارد و احادیث نبوی را در آن ترجمه کرده و در ۶۹۹ تمام کرده است و دیگر کنزالحقایق که نزدیک ۸۰۰ بیت دارد و دیگر مفتاح الفتوح که نزدیک ۱۲۰۰ بیت دارد و آن را در ۱۵ ذی حجه ۶۸۸ بیابان رسانده است و آن نخستین اثر او در شاعریست و پیش از آن شعری نگفته است و دیگر کنزالاسرار که آنهم مثنوی کوچکیست و آنرا در ۶۹۰ یا ۶۹۹ بیابان رسانده و این عطار همدانی را با فریدالدین عطار نیشابوری شاعر متصوف معروف اشتباه کرده اند.

۵۹ - **خواجه معین الدین محمد بن شمس الدین مطهر بن شهاب الدین اسمعیل بن قطب الدین محمد بن شمس الدین مطهر بن معین الدین ابو نصر احمد جامی** نسبش پینج پشت بشیخ الاسلام احمد جامی میرسد و مادرش دختر ملک شمس الدین محمد که پسر ملک شمس الدین ابوبکر کرت از پادشاهان آل کرت بود و خود از بزرگان خراسان بشمار میرفت و با خال خود ملک غیاث الدین محمد کرت بحج و حجاز رفت و در جام در ۷۸۳ در گذشت و او را در مقبره شیخ احمد جام بخاک سپردند. معین الدین از ادبا و شعرای نامی زمان خود بشمار میرفت و در نظم و نثر فارسی دست داشت و از اشعار او اندکی مانده است. خواجه معین الدین سه پسر داشت که مهتر آنها ضیاء الدین یوسف و مادرش دختر ملک غیاث الدین محمد کرت بود و از شاگردان تفتازانی بشمار میرفت و دانشمند کاملی بود و در ۷۹۷ در تبریز در گذشت و جنازه او را بجام بردند و نزدیک پدرش بخاک سپردند.

۶۰ - **محمد هولا کاخکی** از دانشمندان نامی آذربایجان بود و در علوم منقول و معقول و نظم و نثر و جد و هزل از بزرگان زمان خود و از ندیمان میرزا میرانشاه گورکان بود و چون در ۸۰۲ امیر تیمور فرمان داد که ندیمان وی را بکشند او را هم در آن واقعه بدار کشیدند و وی شعر فارسی را نیکو میگفته و از اشعار او اندکی مانده است.

۶۱- **خواجه علی را میثی معروف بخواجه عزیزان** از مردم رامین قصبه ای در دو فرسنگی بخارا بوده و از بزرگان مشایخ طریقه نقشبندی بشمار میرفته و در رامین بیافندگی روزگار میگذرانده و در پایان زندگی بخوارزم رفته و در آنجا در ۲۸ ذیقعده ۷۲۱ در گذشت و همانجا او را بخاک سپردند و ازودو پسر ماند که یکی محمد و دیگری ابراهیم نام داشت و محمد چهل روز پس از مرگ پدر در گذشت و ابراهیم جانشین او شد. علی رامینی شعر فارسی را نیکو میسروده و بعضی رباعیات عارفانه از او مانده و رساله ای در طریقه تصوف و کتاب دیگری بنام محبوب، العارفین نوشته است.

۶۲- **خواجه بهاء الدین محمد بن محمد بن سید جلال الدین بن سید برهان الدین بن سید عبدالله بن سید زین العابدین بخاری معروف بنقشبند** که ذکر او در نثر قرن هشتم (ص ۱۹۱ - ۱۹۲) نیز آمده است: نسبش بسیزده پشت با امام حسن عسکری می رسد و در بخارا در ۷۲۸ ولادت یافته و از بزرگان مشایخ تصوف ایران و معروف ترین عرفای طریقه نقشبندیست و این طریقه بنام او معروف شده و وی خلیفه میر سید کلال بوده و در کودکی خواجه بابا محمد سماسی او را بفرزندی برداشته و پرورده است و نیز از مریدان عبدالخالق غجدوانی و خواجه قشم و خلیل انا ترکی بوده و در بخارا میزیسته و دوسفر بحج رفته است و پیشه او و پدرانش کمخاب بافی و نقش کردن آن بوده و بهمین جهت بنقشبند معروف شده است و سر انجام در روستای قصر عارفان در یک فرسنگی بخارا که مولد او بوده است در سوم ربیع الاول ۷۹۱ در گذشته و در همانجا مدفون شده. بهاء الدین نقشبند شعر فارسی را خوب میگفته و از اشعار او چند بیتی مانده است.

۶۳- **خواجه ابو الفتح محمد بن محمد بن محمود حافظی بخاری معروف بخواجه محمد پارسا** از بزرگان عرفای سده هشتم ایران و از مشایخ نامی طریقه نقشبندی و از خلفای خواجه بهاء الدین نقشبند بوده و از بهاء الدین نقشبند پارسا لقب یافته است و مردی بسیار دانشمند و پارسا و پرهیزگار بوده و مخصوصاً در حدیث دست داشته

و کرامات بسیار باو نسبت داده اند و نخست در بخارا میزیسته و دو بار به حج رفته و سفر اول با خواجه بهاء الدین نقشبند رفته و سفر دوم در سال ۸۲۲ از راه نسف و بلخ و هرات رفته است و چون بمکه رسیده بیمار سخت شده چنانکه او را در عماری گذاشته و طواف داده اند و چون بمدینه رفته در روز چهارشنبه ۲۳ ذی حجه ۸۲۲ در آنجا در گذشته است و رو بروی قبر عباس او را بخاک سپرده اند و از وی پرسی مانده است بنام ابونصر پارسا که او هم از مشایخ معروف نقشبندیه و جانشین پدر بوده است. خواجه محمد پارسا مؤلفات چند دارد از آن جمله کتاب معروفی بنام فصل الخطاب که در محاضرات و سلوک و تصوف بفارسی و تازی نوشته و رساله محبوبیه و رساله قدسیه در مناقب مرشد خود بهاء الدین و کتاب انیس الطالبین و عدة السالکین در همین زمینه نیز از اوست و گاهی شعر فارسی می گفته و بعضی از اشعار از وی مانده است.

۶۴ - زین الدین ابوبکر علی تایبادی از بزرگان عرفای قرن هشتم و از شاگردان نظام الدین هروی و شیخ احمد جامی بوده و در تایباد خراسان که اکنون بطیبات معروفست میزیست و در علوم ظاهری شاگرد نظام الدین هروی بوده و در تصوف بر طریقه اویسی میرفت و امیر تیمور گورگان در حمله بهرات در تایباد بدیدن او رفت و نصایحی بتیمور داده که معروفست و سر انجام در همان تایباد در نیم روز آدینه سالخ محرم ۷۹۱ در گذشت و همانجا او را بخاک سپردند و مزار او هم اکنون زیارتگاه معروفست. ابوبکر تایبادی گاهی شعر فارسی گفته و از اشعار او اندکی مانده است.

۶۵ - مکتبی خراسانی از شاعران درجه دوم قرن هشتم بوده که بخط او را با مکتبی شیرازی شاعر معروف قرن نهم اشتباه کرده اند و وی صاحب منظومه ایست بنام کلمات عالیة غرا که در ترجمه احادیث سروده و آنرا بنام ملک علی سربسرداری (۷۶۶-۷۷۸) پایان رسانده و از آن منظومه پیداست که شاعر زبر دستی بوده است.

۶۶ - عبدالحمید رایغانی از مردم دهی بنام رایگان در ناحیه قزوین بود و در زمان ابقا خان (۶۶۳ - ۶۸۰) میزیست و تا اوایل قرن هشتم نیز زنده بوده است و از مختصان ملک افتخار الدین قزوینی بشمار می رفته و بزبان پهلووی قزوین برخی اشعار

ازومانده است .

۶۷ - **امیرکای قزوینی** نیز از شاعران همین دوره بوده و او نیز اشعاری بهمین

زبان سروده است .

۶۸ - **اویانج زنجانی** نیز از شاعران همین دوران بود و اشعاری بزبان پهلوی

زبجان ازو باقیست .

۶۹ - **خواجه بهاءالدین زنجانی** هم از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن

هشتم و مداح خواجه شمس الدین صاحب دیوان جوینی بوده است .

۷۰ - **بهاءالدین ساوجی** از شاعران قصیده سرای همین دوره بوده است .

۷۱ - **جمال الدین رستق القطنی** از مردم محله رستق القطن قزوین و معاصر

ابقا خان و از شاعران معروف روزگار خود بوده و از اشعار او اندکی مانده است .

۷۲ - **جولاهه ابهری** نیز از شاعران این دوره است که بزبان پهلوی زبجان

اشعاری ازو در دستست .

۷۳ - **سید جمال الدین کاشانی** نیز از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن

هشتم بوده و ترجیع بندی ازو مانده است که باستقبال ترجیع بندی سعدی سروده است .

۷۴ - **رفیع الدین بکرانی** از مردم ابهر بوده و در کرمان در اواخر قرن هفتم

و اوایل قرن هشتم می زیسته و بزبان تازی و فارسی شعری گفته و برخی از اشعار او

مانده است .

۷۵ - **رکن الدین بکرانی** نیز از مردم ابهر بوده و در همین زمان می زیسته

و دیوانی داشته است و اینک اندکی از اشعار او باقیست .

۷۶ - **سعدالدین بن بهاءالدین معروف بسعد بهایی یا سعدالدین بهایی** یا

سعد بهاء معاصر الجاتیو بوده و تا اوایل قرن هشتم نیز زیسته و از شاعران معروف عصر خود

بوده و اینک اندکی از اشعار او باقیست .

۷۷ - **سید سراج الدین سکزی متخلص براجی** از شاعران زبردست قرن

هشتم و بیشتر مداح ناصرالدین محمود شاه دوم (۷۹۵ - ۷۹۷) از پادشاهان

سلسله تغلقی هندوستان و وزیر او نظام الملک نظام الدین ابوسعید محمد چندی و بزرگان دربار وی بوده و قصیده را بسبک فاتورالیم شعرای عراق بسیار خوب می گفته و دیوان قصاید وی شامل نزدیک ۵۶۰۰ بیت در دست است .

۷۸ - **سید مطهر گره** از شاعران معروف قرن هشتم هند و از مردم شهر گره در شمال هند بود و چندی در گجرات و بیشتر در دهلی می زیست . در ۷۱۶ ولادت یافت و در ۷۹۱ در گذشت . از شاعران دربار فیروز شاه بن ملک رجب از سلسله تغلقی هند بود که در ۲۲ محرم ۷۵۲ بسطنت رسیده و در ۱۸ رمضان ۷۹۰ در گذشته است . وی در ضمن از مریدان نصیر الدین محمود اودهی معروف بچراغ دهلی عارف مشهور این زمان هند بود که در ۱۸ رمضان ۷۵۷ در گذشته است و قصیده را بسبک فاتورالیم عراقی با کنایات و استعارات فراوان نیکو سروده است و تشبیهات عالی و معانی دقیق دارد و دیوانش شامل پنج هزار بیت بدست است .

۷۹ - **فخر الدین فتح الله قزوینی** برادر حمدالله مستوفی مورخ معروف و در شعر استاد بوده و از روش اوحدی مراغی پیروی می کرده است .

۸۰ - **عزالدین کرچی** از خاندان کرچی قزوین و از شاعران نامی زمان خود بوده و از اشعار او اندکی باقیست .

۸۱ - **عزالدین همدانی** نیز از شاعران این دوره بوده است و برخی اشعار او بزبان پهلوی همدان بما رسیده است .

۸۲ - **عمادالدین فضلویه معروف بهماک** لُر از شاعران معاصر ابقاخان بوده که تا اوایل قرن هشتم زیسته است و از مختصان صاحب دیوان جوینی بشمار می رفته است .

۸۳ - **قاضی عثمان ماکی قزوینی** از مداحان خواجه فخرالدین مستوفی پسر عم حمدالله مستوفی بوده و شعر را روان می گفته و چون عم زاده اش رضی الدین در باره او تطاول کرده بود کتابی بنام رضی نامه در پنج هزار بیت درین زمینه ترتیب داده است و از شاعری مال بسیار فراهم کرده بود چنانکه سی چهل هزار دینار بار رسیده بود .

۸۴ - **ملک عماد الدین اسمعیل بخاری** نیز از شاعران نامی این دوره بوده

و در زمان ابو سعید بهادرخان (۷۱۶ - ۷۳۶) در سلطانیه در گذشته است و از اشعار او چند بیت باقیست .

۸۵ - زین الدین فاخره کاشانی مداح نجیب زادگان قزوین بود و کتابی بعنوان تصایح الاولاد نوشته و در شعر نیز استاد بوده است .

۸۶ - قنادی نیز از شاعران این دوره بوده است .

۸۷ - ابوالفرج احمد بن محمد کافی کرجی از مداحان مجدالدین عمادالدوله همدانی بوده و برخی اشعار او بزبان پهلوی شهر کرج باقی مانده است .

۸۸ - کمال الدین زنجانی از مداحان خواجه صدرالدین احمد خالیدی صاحب دیوان بوده است .

۸۹ - نجم الدین معروف بکرگس نیز از شاعران مدیحه سرای این دوره بوده و از شعر او اندکی مانده است .

۹۰ - محمود کوتوال از شاعران خراسان درین دوره بوده است .

۹۱ - ملک محمود تبریزی پسر ملک مظفرالدین نیز از شاعران این دوره بوده که اندکی از شعر او باقیست .

۹۲ - فردوس مطربه از زنان شاعران این دوره بوده و از اشعارش اندکی باقیست .

۹۳ - بنت النجاریه نیز از زنان شاعران این دوره بوده و اندکی از اشعار او بما رسیده است .

۹۴ - شمس الدین بن ناصر الدین شیرازی معروف بشمس پسر ناصر از شاعران این دوره و غزل سرای توانایی بوده و بیشتر بزبان پهلوی شیراز شعر می گفته و درین زبان شمس پسر ناصر یعنی شمس پسر ناصر تخلص می کرده است و مقداری از اشعار او باین زبان در دست است .

۹۵ - پور فریدون از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم و از کردان فارس بوده و برخی دوبیتی ها بزبان پهلوی فارس از او رسیده است .

۹۶ - سید شرفشاه گیلانی ، عصر زندگی او درست معلوم نیست اما از قراین

پیداست که از شاعران اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم بوده و مقداری دویستی بزبان کیلک ازو باقیست که سر مشق شاعران دیگر بوده و آنها را با آهنگی خاص می خوانند و آن آهنگ را شرفشاهی می گویند .

۹۷ - عصامی از شاعران این دوره در هندوستان و از خانواده معتبری بوده ، جدش فخرالملک عصامی از بغداد بهندرفته و وی در دهلی می زیسته و در ۷۱۱ در آنجا ولادت یافته و شاعر دربار محمد شاه بن تغلق بوده و در ۲۷ رمضان ۷۵۰ شروع بنظم شرح جنگهای وی بنام فتوح السلاطین ببحر متقارب کرده و در ۶ ربیع الاول ۷۵۱ بیایان رسانیده و شامل نزدیک دوازده هزار شعرست که استادی او را مسلم می کند .

گذشته ازین شعرای درجه اول و دوم در قرن هشتم يك عده شعرای دیگر هم بوده اند که فهرست آنها بدین قرارست : غیبی شیرازی که شعر عارفانه گفته ، بهاء الدین حاجی ، صافی که در ۷۶۷ در گذشته ، ملک عمادالدین روزنی ، نسیمی نیشابوری که از شاعران و خوشنویسان بوده ، سید حسن اخلاطی از متصوفه ، خواجه شمال بخاری از عرفا ، سید ابوالمظفر از عرفا ، شرف الدین مقبل ، نظام الدین مرزوقی ، ابوعلی فالی ، رکن الدین ابهری ، سعدالدین نصیر ، حاج محمود کرمانی متخلص بمحمود ، شاه سیف الدین ، کمال الدین کاشی ، نجمی ، امیر صفادار ، بدر الدین دامغانی ، صدرالدین قیروانی ، عمادالدین بکرانی ، امین الدین تبریزی ، محمد جوهری ، ملک الشعراء تاج الدین بهاء که بیشتر هزلیات سروده است ، علا رکن الدین دعوی دار قمی ، سیف الدین اعرج که مداح ثقه الملك ابوبکر علی وزیر بوده ، سراج الدین ، ملک الشعراء شرف الدین تبریزی که مداح ملک سید عزالدین عبدالعزیز شیخ الجبال بوده ، نورالدین عبدالرحمن که او نیز مداح او بوده است ، ملک الشعراء صابن الدین شیرازی ، قاضی عمر ، برهان الدین بزاز که مداح ابوالمظفر اتلقمیش بوده ، عبدالمجید تبریزی ، کمال الدین کوتاه یا کونه پای ، شمس الدین درود ، صدرالدین علی کی ، نجم الدین ، مجد الدین ایگی ، عزیزمشکی که نام او را بخط اعزیز مستملی هم ضبط کرده اند ،

علی ، درویش فرهاد ، قاضی کریم الدین سیستانی ، کریم ، محمد قبایی ، محب ، محمد
چرخگر هروی ، منوچهر ، مجید ، مجدالدین کریمی قزوینی ، مبارزالدین ، صوفی ،
صفی عالی ، صاحبی ، شهابالدین بن کمال الدین سمنانی معروف بشهابالدین کمال
یا شهاب کمال ، شمس الدین صابین محمود قاضی ، شمس الدین کاشی ، شمس کافی ،
میرسراج الدین بردی سیستانی ، حافظ سعد ، سعد الدین بن شرف الدین
متخلص بسعد و سعد شرف ، رضی الدین مؤید بن صالح ، حیدر ، ملک الشعراء جمال الدین
کاشانی که بیشتر هزلیات میگفته ، بدیع ، بنده ، جمال ، زین الدین علی فقیه معروف
و متخلص بابن فقیه ، آغا ، ابن جلال ، احمد حجازی ، احمد موسوی ، ملک افتخار
الدین قزوینی ، اشرف گلستانی ، امین الدین کاکا متخلص بنوری ، قاضی صیرفی هندی ،
جمشید خان ترکستانی ، رشید خان جغتایی متوفی در ۷۷۱ ، فتح ، امیر یمین الدین
طغرای پدر ابن یمین متوفی در ۷۲۴ ، شهاب الدین مهمره ، ابو العلاء حسینی ، امیر
اختیارالدین حسن سمرقندی که از مریدان شاه نعمت الله ولی بوده و اختیار تخلص می
کرده است ، روح الامین امین الدین دادا که در شعر امین و روح الامین تخلص کرده
است ، حاجی تبریزی ، حالی ، حیرانی ، رواس ، روحانی ، زکی مراغی ، سعد الهی
سعد وراق ، سلطانی ، سهیلی ، شرف ، شمس الدین شرفشاه ، شمس الدین گلستانی ،
شمس ساوجی ، شمسی اصفهانی ، شهاب الدین بلیانی ، شیخ زاده لاهیجی ، صدر الدین
علی فخری شوشتری ، ظریفی ، عطایی ، علاء علوی تبریزی ، عنایت ، عوض ، قاضی عیسی ،
فخرالدین رئیس محمود ، فخرالدین هندو شاه .

قرن نهم آخرین دوره مهم ادبیات ایرانست و تردیدی نیست که پس از آن
دوره‌ای باین درجه از اهمیت تا کنون در تاریخ ایران بیش نیامده است و پس از آن
ادب ایران دوره تنزل و انحطاط را مرتباً پیموده و اگر دوره های تجدید و احیایی
هم پیش آمده باشد دوره های کوتاه بوده و نشده است دوره وسیعی را در بر بگیرد .
گذشته از آن قرن نهم از حیث کثرت شعرا و نویسندگان و جنبش های ادبی

گوناگون یکی از مهمترین دوره‌های ادبی ایرانست و اگر هم در برخی از رشته‌های ادب انحطاط و زوالی پیش آمده باشد آن انحطاط نتیجه مستقیم ضعف و فتور است که در دوره پیش یعنی در قرن هشتم مقدمات آن فراهم آمده و رفته رفته نیرو گرفته و در قرن نهم نتیجه آن آشکار شده است. در هر حال تردید بردار نیست که قرن نهم از حیث بسیاری شعرا و نویسندگان، چه در ایران و چه در خارج از ایران، میزبانه‌اند یکی از پرترین و غنی‌ترین ادوار تاریخی ایران بشمار می‌رود و حتی با دو قرن دیگر که ازین حیث امتیاز دارند یعنی با قرن ششم و قرن هفتم نیز برابری میکند. اگر شماره نویسندگان و سراینندگان زبان فارسی را بدقت احصاء کنیم قطعاً يك نيمه آن سهم قرن ششم و هفتم و نهم و نيمه دیگر و بلکه کمتر سهم قرون دیگر خواهد بود. شاید سبب عمده این ثروت ادبی قرن نهم این باشد که درین دوره حوادث سخت و انقلابات شدید که سبب از میان رفتن آثار ادبی و سلب توجه مردم از ادبیات و برهم زدن آسایشی که لازمه پدید آوردن ادبیانست می‌شده درین قرن رخ نداده است و مردم در نتیجه آسایش و امنیت بضبط و نگاهداری آثار ادبی بیشتر همت کرده باشند.

در سراسر این قرن خاندان تیموری در نواحی فارسی زبان ایران و خارج از ایران پادشاهی میکرده‌اند. اگر کشور گشایی و خون ریزیهای تیمور بر ایران گران و ناهموار بوده است و دوره نیره پراز بیداد و ستمی را در تاریخ فراهم کرده کفاره آن نتیجه ادبی بسیار مهمیست که کشور ما از دوره حکمرانی فرزندان او برده است. دربار تیمور نیز مانند دربار ایلخانان مغول بآیین ایرانی فراهم شده بوه و کارها را کار گزاران ایرانی بدست داشتند.

ناچار فرزندان و بازماندگان این مرد خونخوار بیدادگر نیز زیر دست آموزگاران و راهنمایان ایرانی بآیین ایرانی پرورده شده‌اند و بهمین جهت که انس کامل و حتی شور و فوقی نسبت بادیات و علوم ایران و زبان فارسی و حتی هنرهای مخصوص نژاد ایرانی داشته‌اند و نکته بسیار مهم اینجاست که همه صنایع دوره صفوی

که مشهور جهان شده و در قرن دهم و یازدهم شاهکارهای جاودان فراهم ساخته چه معماری و کاشی سازی و نقاشی و چه صنایع دستی مانند بافندگی و صنایع فلزات و تذهیب و جلدسازی و نقاشی کتابها و کاغذگری و خوشنویسی همه دنباله مستقیم صنایع دوره تیموریست و راد طبیعی رشد و کمال خود را سپرده تا بزمان شاه عباس بزرگ و آن جلال و شکوه صنعتی مخصوص رسیده است.

برای نمونه همین کافیس در نظر بیاورید که نقاشی و تذهیب و خوش نویسی مخصوصاً در خط نسخ تعلیق که در بادی نظر بینندگانرا بیاد زمان شاه عباس میندازد محکم ترین پایه های آن در دوره تیموری در شهر هرات که یکی از پایتخت های این خاندان بوده است گذاشته شده و همه نقاشان و خوشنویسان دوره های بعد شاگردان مستقیم و تربیت شدگان استادان هرات بوده اند و نیز تا اواخر دوره صفویه بهترین کاغذها را در شهر سمرقند که آن هم پایتخت دیگر امرای این خاندان بوده است میساخته اند چنانکه کاغذهای خوب را هنوز در دوره صفویه کاغذ سمرقندی می گفتند و یا در شهر خوقند می ساختند و کاغذ خوقندی نیز معروف بود و دو خط ایرانی یعنی خط نسخ تعلیق و شکسته که در دوره صفویه باوج ترقی رسید نیز در دوره تیموری یا بمرحله کمال گذاشته است.

در ادبیات فارسی کلیاتی که در قرن نهم باید در نظر داشت اینست که درین دوره در شعر روح تصوفی که در قرن هشتم روز بروز بیشتر راه کمال می پیمود همچنان تا اندازه ای برقرار بود و شماره شاعران صوفی مشرب بسیارست. از طرف دیگر معما نیز که در قرن هشتم جسته جسته در آثار شعرا دیده میشود درین قرن بمنتهای رواج خود رسیده است و بسیاری از شعرای این دوره بوده اند که بیجز معما چیزی نگفته اند و اشعارشان منحصر بمعما بوده و بیشتر آنها را بلقب «معمایی» میخوانده اند و این نوع از شعر همچنان تا قرن دهم رواج داشته است. فن دیگری که باز درین دوره در شعر ترقی کرده سرودن ماده تاریخها یعنی اشعار است که از شمردن حروف آنها بحساب ابجد تاریخ بدست می آید و این فن هم در قرن پیش اندک اندک در شعر پدیدار شده است و پیش از آن در

قرون پیشین اعداد را در شعر میآوردند. دیگر از خصایص آن دوره اینست که روز بروز از شماره سرایندگانی که قصاید بروش متقدمین در مدایح می سروده اند کاسته میشد و بر شماره غزل سرایان میفزود بدین معنی که سبک ناتورالیسم کمتر رواج داشت و سهولیسم را کم کم بامپرسیونیسم بدل می کردند چنانکه بسیاری از شعرای آن دوره جز غزل و اشعار عاشقانه چیزی نگفته اند و آن نیز دنباله همان سیر طبیعیست که شعر فارسی در قرن هشتم پیدا کرده بود و درین قرن رو بکمال رفت. امتیاز دیگر شعر آن دوره اینست که مدایح ائمه اثنی عشر در ضمن قصاید مخصوص روز بروز بیشتر دیده میشود و این مضمون جدید که در آثار برخی از شعرای قرن هشتم آغاز شده درین دوره بیشتر ترقی کرده و چندتن شاعری که اشعارشان منحصرأ در مناقب ائمه بوده است درین قرن دیده میشوند ولی البته در قرن دهم که دین شیعه دین عمومی اکثریت مردم ایران شده است این نوع از شعر ترقی کامل کرده است. دیگر از خصایص عمده شعر فارسی درین دوره اینست که آن روح مناعت و عزت نفس و خویشتن داری که در اشعار دوره های پیشین مخصوصاً قرن چهارم و پنجم و ششم کاملاً رواج داشته و در قرن هفتم بواسطه زبونی و خواری که از غلبه بیگانگان پیش آمده در ارکان آن شکستی وارد شده و در قرن هشتم نیز بیشتر رخنه در آن راه یافته بود درین قرن باز سست تر و ضعیفتر گشته است و شاعر ذلت و سرشکستگی و افکندگی خویش را در شعر بزبان میآورد چنانکه از قرن هفتم جسته جسته برخی از شعرا خویشتن را سبک دلدار و خاک راه او میخواندند و این روح عاجز و زبونی درین قرن تقریباً روح عمومی شده و باوج رواج خود رسیده است.

دیگر از خصایص شعر فارسی در قرن نهم اینست که روح تقلید و پیروی از سبک شعرای بزرگ که در نتیجه ناتوانی سرایندگان از پدید آوردن سبکهای خاص بخود در قرن هشتم رواج گرفته بود و مخصوصاً مقلدان سبک سعدی و نظامی در آن زمان روز افزون بودند درین دوره نیز شدیدتر شده و از آن جمله کسانی که از سبک نظامی پیروی کرده و بتقلید او مثنویاتی سروده اند هر روز بیشتر میشده اند و اینکه در قرون

بعد نیز این روش در شعر فارسی دوام دارد دنباله مستقیم ادبیات قرن نهمست در فترت این دوره نیز خصایص و امتیازات چند دیده میشود: نخست آنکه دامنه علوم ریاضی در نتیجه تشویق و قدردانی چند تن از شاهزادگان تیموری که خود عشق به علوم داشته‌اند در قرن نهم بسط کامل یافته و چون اندک اندک ایران استقلال علمی و ادبی خاصی بخود گرفت و رابطه آن با کشورهای تازی زبان گسیخته شد بتدریج از شماره کتابهای علمی که بزبان تازی در ایران نوشته میشد کاسته شد و بجای آن زبان فارسی را برای مؤلفات علمی بکار بردند و این خاصیت مخصوص قرن نهمست زیرا که در قرن دهم که مذهب شیعه در ایران رواج کامل یافت باز برای تعلیمات دینی زبان تازی را بر زبان فارسی ترجیح دادند و سبب عمده این بود که مؤسسان بزرگ نهضت شیعه در ایران در آغاز دوره صفوی کسانی بودند که از بحرین و لحسا و نواحی دیگر خلیج فارس و یا از جبل عامل و سرزمین های شیعه خیز سوریه و شام بایران میآمدند و چون زبان فارسی را نمیدانستند ناچار بزبان تازی تألیف میکردند و این روش تا پایان دوره صفویه باقیماند. بهمین جهت قرن نهم امتیاز خاصی که در ادبیات فارسی دارد اینست که هر روز از شماره کتابهایی که بزبان تازی نوشته میشد کاسته میگشت و بر شماره کتابهای فارسی میفزود و مخصوصاً در علوم دقیقه مانند ریاضیات و نجوم و طب شماره کتابهایی که بزبان فارسی نوشته شده از همه ادوار دیگر بیشترست. درین دوره همه اقبال و توجهی که از قرن هفتم بعد در تاریخ نویسی مخصوصاً بزبان فارسی پیدا شده بود و از یاد کارهای استیلای مغول بر ایرانست دوام داشت و بازماندگان تیمور نیز مانند ایلخانان مغول توجهی داشتند که تاریخ نویسان را بضبط وقایع زمان خود بزبان فارسی وادار کنند و بهمین جهت شماره کتابهای تاریخ که درین دوره بزبان فارسی نوشته شده یکی از مشروح ترین فصول تاریخ ادبیات را فراهم میکند.

درین قرن امتیاز خاص دیگری که در تاریخ نویسی دیده میشود اینست که توجه مخصوصی بتألیف یا ترجمه کتابهایی در تاریخ پیامبران یا سیرت رسول و یا احوال و مناقب ائمه داشته‌اند و این نیز فصل مشروحی از تاریخ ادبیات آن دوره است. در نتیجه

همین اوضاع توجه خاصی نیز در ترجمه کتابهای نویسندگان قدیم از زبان تازی بزبان فارسی در میان بوده است و در بسیاری از رشته‌ها کتب معروف و معتبر را بزبان فارسی نقل کرده‌اند و این توجه در اواخر دوره صفویه در دربار اصفهان دو باره پدیدار گشت و در آن زمان نیز کتابهای بسیار بفارسی ترجمه شده و در قرن دهم همین توجه در دربار پادشاهان تیموری در هندوستان در میان بوده است.

تردید نیست که یکی از اسباب عمده پیشرفت ادبیات درین دوره اقبال نام و توجه خاصیت که پادشاهان و شاهزادگان تیموری، که در نواحی مختلف سرزمینهای فارسی زبان پادشاهی یا حکمرانی داشته‌اند نسبت بادب ایران نشان داده‌اند. برخی از تاریخ نویسان متملق و از آن جمله علیشیر نوایی در مجالس النفایس تیمور را نیز صاحب ذوق ادبی و قوه شناسایی شعر فارسی شمرده‌اند و دیگران حتی وی را متمایل بتصوف و از پیروان طریقه ابوبکر تایبادی عارف معروف آن زمان دانسته‌اند. اگر ازین مبالغتهای گزاف آمیز بگذریم تردید نیست که فرزندان و یازماندگان او، که بمراتب بهتر از و پرورش یافته و یش از و درس خوانده بودند، قطعاً ذوق ادبی یا لاقلاً دوستداری ادبیات را داشته‌اند. معروفترین پادشاهان و شاهزادگان این سلسله که بادبیات ایران خدمت کرده‌اند ازین قرارند: عمر شیخ بن تیمور (۷۵۵-۸۰۷) که شوق مفرطی نسبت بشعر فارسی داشته. شاهرخ (۸۰۷-۸۶۳) که از میان پسران تیموریش از همه بادبیات دل بستگی داشت و مخصوصاً شیفته تاریخ بود و بسیاری از تاریخ نویسان را بنوشتن کتابهای سودمند گماشته است. سلطان خلیل بن میرانشاه (۸۰۷-۸۱۷) که وی هم شیفته ادبیات بوده و خود نیز شعر میگفته است. ابوالفتح ابراهیم سلطان بن شاهرخ (۸۱۲-۸۳۸) که شاهزاده بسیار با ذوق کریم بزرگوار هنرمند دانش دوستی بوده و مخصوصاً در زمانی که در مرکز ایران و لرستان و فارس حکمرانی داشته در ترقی ادبیات و ساختن بناهای مهم بسیار کوشیده و حتی برخی از بناهای مهم زمان او کتیبه‌هایی داشته که بخط بسیار زیبایی خود نوشته است. بایسنقر بن شاهرخ (۸۱۷-۸۳۶) که یکی از معروفترین خوشنویسهای خط نسخ ایران است و خط او نهایت امتیاز و شیوایی را دارد و شعر را هم خوب میگفته است. علاءالدوله الغریبک بن

شاهرخ (۸۵۰ - ۸۵۳) که یکی از بزرگترین دانشمندان ریاضی و نجوم ایران بشمار میرود و همه دانشمندان معروف این دوفن را در دستگاه خود گرد آورده بود و در سمرقند در ۸۲۴ رصدخانه بسیار با شکوهی فراهم کرده و زیج معروفی ترتیب داده که آخرین زیج نجومی معتبر ایران بشمارست و خود کتاب بسیار مشهوری در باره زیج نوشته و شعر را نیز خوب میگفته است. رکن الدین عبداللطیف بن الخ بیک (۸۵۳ - ۸۵۴) که او هم در شعر فارسی دست داشته است. ابوالقاسم بابر بن بایسنغر (۸۵۳ - ۸۶۱) که در شعر دوستی و شعر شناسی بر همه شاهزادگان تیموری برتری داشته و خود نیز شعر را خوب می سروده است. ابوسعید بن محمد بن میران شاه (۸۵۵ - ۸۷۵) که او هم در شعر فارسی دست داشته است. ابوالغازی سلطان حسین بن بایقرا (۸۶۳ - ۹۱۲) که بزرگترین محرك ترقی ادبیات درین قرن بشمار میرود و در ضمن عشق مفرطی بترقی صنایع مخصوصاً نقاشی و نذیب و خط داشته است و در باروی درهرات یکی از مهمترین دربارهای ایرانست و بسیاری از شعرای نامی قرن نهم در دربار او گرد آمده بودند و خود نیز شعر را خوب میگفته و دیوانی از اشعار فارسی و ترکی از او مانده که در آن حسینی تخلص کرده است و گذشته از آن کتابی بفارسی شیرین بنام «مجالس العشاق» باو نسبت داده اند که در ۹۰۹ و ۹۰۸ نوشته شده و چون مؤلف این کتاب مقید بوده است برای هر یک از بزرگانی که شرح حال آنها را نوشته معاشقاتی قایل شود از حیث مطالب تاریخی این کتاب اعتباری ندارد. بدیع الزمان میرزا پسروی (۹۱۲ - ۹۱۳) نیز شعر فارسی را خوب میگفته است. گذشته ازین شاهزادگان درجه اول که در نواجی مختلف ممالک فارسی زبان پادشاهی یا حکمرانی کرده اند چند تن از شاهزادگان درجه دوم این خاندان هم که حکمرانی مستقل نکرده اند شعر را خوب میگفته اند: ابوبکر میرزا، اسکندر میرزا، سید احمد میرزا، سلطان احمد میرزا، بایقرا میرزا، کیجیک میرزا، شاه غریب میرزا، فریدون میرزا، سلطان محمود میرزا، سلطان مسعود میرزا، محمد مؤمن میرزا، همایون میرزا، بایسنغر میرزا بن سلطان محمود میرزا، سلیمان شاه میرزا بن یادگار ناصر میرزا بن عمر شیخ.

دیگر از خصایص ادبیات دربار تیموریان اینست که چون در میان ایشان زبان ترکی

جغتایی نیز رواج داشته و ظاهراً زبان خانوادگی که در میان خود سخن میرانده‌اند. ترکی جغتایی بوده است درین دوره ادبیات ترکی جغتایی در ایران فراهم شده و پیش از آن سابقه نداشته است. گذشته از آنکه شاهزادگان تیموری هر يك که بزبان فارسی شعر می‌گفته‌اند بزبان ترکی هم اشعار می‌سروده‌اند و علیشیر نوایی که از امرای نامی دربار سلطان حسین بایقرا بوده معروفترین و بهترین شاعر زبان ترکی جغتاییست بسیاری از شعرای ایندوره حتی کسانی که ترکی زبان اصلی و خانوادگی شان نبوده است نیز بزبان ترکی اشعاری سروده‌اند. زبان ترکی جغتایی ظاهر از زبان خانوادگی و طبیعی و مائوس شخص تیمور بوده است حتی کتابی باین زبان بخود تیمور نسبت داده‌اند که بنام «تروک تیموری» یا «توزوک تیموری» معروف شده است و کلمه تروک (بضم اول) یا توزوک در زبان ترکی جغتایی تقریباً نظیر کلمه یاسا یا یاسه مغولی و بمعنی آیین کشوردار است و چنانکه در دوره ساسانیان معمول بوده است پادشاهان پادداشتهایی در رسوم جهانبانی خود پرداخته‌اند یا اینکه بآنها نسبت می‌دادند و آنها را آیین نامه مینامیدند پادشاهان مغول و ترک نیز آیینی بنام یاسا یا تروک از خود می‌گذاشته‌اند.

در باره این کتاب تروک تیموری که وانمود کرده‌اند بیانات خود نیمه‌ورست در میان محققان عقاید مختلف رواج دارد و برخی معتقدند که اصل آنرا بزبان ترکی جغتایی در زمان تیمور فراهم کرده‌اند یا اینکه گفتار او را نوشته‌اند و یا اینکه جمع کرده‌اند. این کتاب بزبان فارسی هم ترجمه شده و ترجمه آن بهمان نام اصلی یا بنام «ملفوظات تیمور» یا «واقعات تیمور» و یا «ملفوظات صاحب‌قران» رواج دارد و در باب این کتاب افسانه‌ای هم هست و آن اینست که نسخه ترکی جغتایی آنرا در عربستان بدست آورده‌اند.

در هر صورت ترجمه فارسی آن که اکنون رایجست ترجمه ایست که میر ابوطالب حسینی خراسانی در سال ۱۰۴۷ در هندوستان کرده است. کتاب دیگری بنام «منکوک و سچلات تیموری» بدست است که در ۸۰۶ نوشته شده و در ۱۰۱۱ در شهر

بلخ در فتح شاه عباس صفوی بدست آمده است. در هر حال زبان ترکی نجف‌تایی را بازماندگان تیمور به هندوستان هم برده‌اند و ظهیرالدین بابر نیز یادداشتهای خود را بهمین زبان نوشته و آن کتاب معروف «بابر نامه» است و سپس تا چند پشت در میان فرزندان او هم این زبان رواج داشته است.

دیگر از اسباب رواج ادبیات ایران در قرن نهم اینست که پادشاهان سلسله قراقوینلو تا ۸۷۳ در شمال غربی ایران و مخصوصاً در آذربایجان هنوز حکمرانی داشته‌اند و برخی از پادشاهان این سلسله مخصوصاً اسکندر بن یوسف (۸۲۳-۸۴۱) و بیشتر مظفرالدین جهان‌شاه بن یوسف (۸۴۱-۸۶۶) و پیر بداق بن یوسف (۸۶۶-۸۷۲) در انتشار ادبیات کوشیده‌اند. سلسله بایندری یا آق قوینلو نیز تا ۹۰۸ در همان نواحی حکمرانی کرده و بدست شاه اسمعیل صفوی منقرض شده است و چند تن از پادشاهان این سلسله هم مانند خلیل بن اوزون حسن (۸۸۳-۸۸۴) و مخصوصاً سلطان یعقوب بن اوزون حسن (۸۸۴-۸۹۶) که دربار وی نیز از مراکز مهم رواج ادبیات بوده است و بایسنغر بن یعقوب (۸۹۶-۸۹۷) و سلطان مراد بن یعقوب (۹۰۳-۹۰۸) در ترویج ادبیات کوشیده‌اند. سلطان یعقوب خود شعر فارسی را خوب میگفت و نسبت به شعر توجه بسیار داشت چنانکه حتی شعرای خراسان که از دربار حسین بایقرا و دستگاه علیشیر نومید میشدند با آذربایجان نزد او میرفتند و وی آنها را از صلوات خویش برخوردار میکرد.

در هندوستان نیز درین دوره ادبیات فارسی مانند قرن هشتم رواج داشته و برخی از خاندانهای شاهی هند در رواج آن میکوشیدند و پاره‌ای از پادشاهان و امیران آن سرزمین هم بزبان فارسی شعر گفته‌اند چنانکه شاه نظام نیای خاندان نظام شاهی که در احمد نگر پادشاهی داشته‌اند و شهر احمدآباد را ساخته‌اند بزبان فارسی خوب شعر میگفته و سپهری تخلص میکرده است و یکی از دانش‌دوست‌ترین پادشاهان هندوستان تاج‌الدین فیروز شاه هشتمین پادشاه سلسله بهمنی که در تاحیه کلبر که پادشاهی میکرده‌اند و از سال ۸۰۰ تا ۱۰ شوال ۸۲۵ در سلطنت بوده است شعر فارسی را خوب

میگفته و ادبیات این زبان توجه بسیار داشته و چندین کتاب بزبان فارسی بنام او نوشته اند.

خصایص عمده شعر فارسی در قرن نهم اینست که سادگی و روانی را که در قرن هفتم و هشتم داشته از دست نداده ولی بتدریج صنایع معنوی و تشبیهات تازه و کنایات و استعارات نوین روز بروز بیشتر در آن راه یافته است و مقدمات سبک خاصی که در قرن دهم و یازدهم باوج ترقی خود رسید و بنام سبک هندی معروف شد که همان امپرسیونیسم باشد درین قرن فراهم آمده است و چندین از شعرای نامی قرن نهم مانند فغانی و کاتبی و اهلی شیرازی مؤسسان حقیقی سبک هندی بوده اند و نیز افکار عاشقانه رقیق و بیان سوزناک مؤثر در میان غزل سرایان و حتی مثنوی گوینان این دوره مخصوصاً در آثار هلالی جغتایی و شاهی سبزواری و فتاحی نیشابوری و همایون اسفرائینی و عصمت بخاری و بساطی سمرقندی و مکتبی شیرازی بسیار دیده میشود. از طرف دیگر غزل عارفانه نیز درین دوره بسیار گفته شده و شاعران توانایی درین زمینه چون قاسم انوار و جمالی اردستانی معروف بپیر جمالی و داعی شیرازی معروف بشاه داعی و شمس مغربی بوده اند. در نشر نیز قرن نهم اختصاصی که دارد اینست که نشر پر تکلف که در آن در استعمال کلمات و ترکیبات تازه زیاد روی میکردند و در قرن هشتم بسیار متداول بوده درین قرن متروک شده ولی در عروض در استعارات و کنایات در نشر هم راه افراط و مبالغه را پیموده اند و حتی برخی از تاریخ نویسان در شرح وقایع تاریخی این روش ناپسند را بکار برده اند و اینکه در قرن دهم و یازدهم و دوازدهم این اصول تقریباً همیشه در نشر فارسی حکم فرما بوده یادگار نا مطلوبیست که ازین قرن در ادبیات فارسی مانده است.

نویسندگان معروفی که در قرن نهم میزیسته اند و آثاری ازیشان مانده است

بدین قرارند:

۱ - نشر

۱ - محمد بن فضل الله موسوی مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی بنام اصح

التواریخ که وقایع را از آغاز آفرینش جهان بروش مورخان قدیم تا زمان تیمور

نوشته است .

- ۲ - عبدالسلام بن علی بن حسین ابرقوهی مؤلف نهایة المسؤل فی درایة الرسول که ترجمه ایست از کتابی در سیرة رسول تألیف سعدالدین محمد بن مسعود بن محمد کازرونی و آنرا بنام ابوالشرف محمد نامی از اعیان زمان خود بیابان رسانده است.
- ۳ - بهاءالدین کازرونی مؤلف کتاب دیگری در سیرة رسول که ترجمه ایست از کتاب ذروة الاولیای فی سیرة المصطفی و برای امیر علاءالدین پیر علی نوشته است .
- ۴ - سلام الله بن علی بگری مؤلف کتاب دیگری در همان زمینه بنام تحفة السلامیه فی الجواهر الاسلامیه که در ۸۶۳ بدرخواست بزرگان عراق بیابان رسانده و از روی کتاب تعریف تألیف شمس الدین جزری و کتابهای دیگر نوشته است .
- ۵ - تاج سلمانی که از مورخان نامی زمان خود بوده و در جمادی الاخره ۸۱۳ شاهرخ او را مأمور کرده است ظفر نامه نظام شامی را بیابان رساند و او ذیلی بر آن کتاب نوشته شامل وقایع از محرم سال ۸۰۷ تا ۸۱۷ در تاریخ سلطنت تیمور شاهرخ و الغ بیک .
- ۶ - شیخ تاج الدین محمد بن محمد بن ابراهیم کازرونی ملقب بحاج هراسی از عرفای قرن نهم فارس بوده و مؤلف کتابیست بنام بحر السعاده در اخلاق و سلوک و عبادات که در شعبان ۹۰۱ بیابان رسانده است .
- ۷ - مولی افضل الدین عبدالعزیز بن محمد مدعو بافضل شیرازی که مؤلف کتابیست بنام دستور الزایرین در مزارات شیراز و مطالب آنرا از کتاب معروف شدالازار تألیف جنید شیرازی گرفته است .
- ۸ - یحیی بن احمد بن عبدالله سیهرندی مؤلف تاریخ مبارکشاهی در تاریخ پادشاهان هندو سلاطین دهلی از زمان معزالدین محمد بن سام غوری و وقایع سال ۵۶۹ تا زمان معزالدین ابوالفتح مبارکشاه (۸۲۴ - ۸۳۸) دومین پادشاه از سلسله سیدهای دهلی و این کتاب را در حدود سال ۸۳۸ تألیف کرده است .
- ۹ - خسرو بن عابد ابرقوهی معروف بابن مهین از تاریخ نویسندگان زمان تیمور

وسلطان محمد بهادرخان بوده و مؤلف کتابیست بنام فردوس التواریخ که در ۸۰۸ بیابان رسانده است و سپس در ۸۱۵ که در فارس در دستگاه اسکندر بن عمر شیخ بوده آنرا تکمیل کرده است و وی در ضمن شاعر بوده و آثار دیگری داشته از آن جمله منظومه هادی الاسرار و طب منظوم و فرس فاعله منظوم و کتابی بنظم و نثر بنام شامل و کامل و کتابی در اخلاق و تیمور نامه در تاریخ فتح اصفهان و کتابی در ضوابط طب و موسیقی و در هنر و منظومه ای بنام ده دیوان .

۱۰- احمد بن محمود مدعو بمعین الفقراء و معروف بملازاده از خاندان مشایخ بخارا بود که بخاندان شارستانی معروف بوده اند و نوه دختری مولانا رکن الدین عبدالرحیم بن احمد شارستانی و خواهر زاده مولانا جمال الدین محمد بن عبدالرحیم شارستانی بوده که از مشایخ معروف بخارا بشمار میرفته اند و وی مؤلف کتابیست درمشاهد بخارا که بنام «رسالة ملازاده» معروفست .

۱۱- جعفر بن محمد حسینی مؤلف کتابی در تاریخ عمومی تا وقایع سال ۸۱۷ که در ۸۲۰ آنرا تألیف کرده است .

۱۲- شهاب الدین عبدالله بن زین الدین نطف الله بن عبدالرشید بهدادنی خواری هروی معروف بحافظ ابروی یکی از بزرگترین مورخان ایران و یکی از معروف ترین تاریخ نویسان قرن نهم بود و درهرات ولادت یافت و در همدان دانش آموخت و در لشکر کشی های تیمور همراه او بود و سپس وارد دربار شاهزادگان تیموری شد و مخصوصاً از مقربان شاهرخ بود و نخست تاریخ وی را تا سال ۸۱۶ نوشته و در ۸۱۷ شاهرخ وی را مامور کرد که کتابهایی در تاریخ و جغرافیای ایران بنویسد و وی آن کتاب را در دو مجلد یکی درباب فارس و دیگر درباب خراسان پرداخته و در ۸۲۰ بیابان رسانده است و پس از آن همه اوقات وی صرف تحقیقات تاریخی شده و یک سلسله کتابهای مهم از خود گذاشته است و سرانجام درماه شوال ۸۳۴ در گذشته است حافظ ابرو نخست ازجانب شاهرخ مامور شده است کتابهای کاملی در تاریخ از آغاز خلقت تا زمان خود پردازد و وی کتابهای معتبری را که پیش از او نوشته بودند در نظر گرفته

و نواقص آنها را از خود نوشته بدین گونه که نخست ترجمه تاریخ طبری از ابوعلی بلعمی را گذاشته و سپس ترجمه یمینی و تاریخ بیهقی و سلجوقنامه و پس از آن جامع التواریخ تألیف رشیدالدین فضل الله و سپس ظفرنامه تألیف نظام الدین شامی را جا داده و برای تکمیل این مجموعه این کتابها را خود تألیف کرده است: ذیل تاریخ طبری از معتدر نامعصم تاریخ آل کرت - تاریخ طغا تیمور - تاریخ امیر ولی بن شاه علی هندو - تاریخ سربداران - تاریخ امیر ارغون شاه ذیل جامع التواریخ رشیدی تا و قایع سال ۷۰۶ - تاریخ آل مظفر ذیل ظفرنامه نظام شامی اتمام در ۸۱۴ - تاریخ شهرخ تا وقایع سال ۸۱۹ و این سلسله کتابها روی هم رفته بنام مجموعه حافظ ابرو معروفست و شامل تاریخ جهان از آغاز آفرینش تا سال ۸۱۹ است. پس از آن حافظ ابرو در صدد برآمده است کتاب جامعی که شامل همه این اطلاعات باشد خود بنویسد که آنرا در چهار مجلد بیابان رسانده و تا وقایع سال ۸۳۰ رسیده و آن بنام مجمع التواریخ یا زبدة التواریخ معروفست و قسم اول آنرا در محرم ۸۲۹ و مجلد چهارم آنرا در زمان بایسنغر بیابان رسانده و بهمین جهت آنرا زبدة التواریخ بایسنغری نام گذاشته است.

۱۳ - محمد بن فضل الله موسوی خراسانی مؤلف تاریخ خیرات یا اصح -

التواریخ که از آغاز تاریخ تا وقایع سال ۸۵۰ را نوشته است.

۱۴ - محمد بهامد خانی از مورخان هندوستان مؤلف تاریخ محمدی که از

آغاز تا وقایع سال ۸۴۲ را شاملست.

۱۵ - فصیح الدین احمد بن محمد فصیح خوافی در هرات در جمادی الاولی

۷۷۷ ولادت یافت و از کار گزاران دربار شاهرخ و بایسنغر بود و در ۸۴۵ که پیش از آن مدتها در سرکار بود و در دیوان استیقا خدمت میکرد بواسطه رنجشی که گوهر شاد آغا ملکه معروف و بانی مدرسه گوهر شاد مشهد از او پیدا کرده بود معزول شد و دیگر از احوال وی اطلاعی نیست وی مؤلف کتاب بسیار سودمند است در تاریخ که وقایع را سال بسال از آغاز هجرت تا سال ۸۴۵ نوشته و مجمل فصیحی نام گذاشته و در ضمن شاعر بوده و فصیح تخلص میکرد اسب

۱۶ - حسن بن شهاب الدین حسین بن تاج الدین یزدی معروف بابن شهاب

وی از شعرا و متجمان و تاریخ نویسان زبر دست زمان خود بوده و منظومه‌ای در تاریخ سلجوقیان بنام غیاث الدین ابوالمظفر محمد بن بایسنغر بن شاهرخ سروده و کنایی بنام جامع التواریخ حسنی نوشته که از آغاز تاریخ تا وقایع محرم سال ۸۵۵ را در بردارد و آنرا نیز بنام پادشاه مزبور نوشته است.

۱۷ - شکر الله بن امام شهاب الدین احمد بن امام زین الدین زکی رومی

از تاریخ نویسان معروف خاگ عثمانی و از مردم آناتولی بود و در دربار پادشاهان آل عثمان میزیست و مقام مهم داشت چنانکه از جانب سلطان مراد دوم بسفارت بدر بار جهان شاه قراقوینلو آمد و سپس سلطان محمد فاتح نیز وی را بسیار محترم داشته است و در استانبول در ۸۹۴ در گذشته است. وی مؤلف کتابیست بنام بهجة التواریخ که شامل وقایع از آغاز تا سال ۸۵۵ است و در ۸۵۱ بتألیف آن آغاز کرده و در ۸۶۱ پایان رسانده است و وی مؤلف دو کتاب دیگر است: انیس العارفين و منهج الرشاد در حکمت.

۱۸ - سید محمد بن امیر برهان الدین خاندوشاه بن شاه کمال الدین محمود

بلخی معروف بمیر خواند یا میر خوند از خانواده‌ای از سادات معروف ماوراءالنهر بوده که از خاندان خاوند سید اجل بخاری بودند و نسبشان بزید بن علی بن حسین میر سیده است. پدرش سید برهان الدین خاوند شاه از بخارا ببلخ هجرت کرد و در آنجا در گذشت و میر خواند در آن شهر در سال ۸۳۷ ولادت یافت و در جوانی بهرات رفت و علیشیر نوایی در تربیت او کوشید و وی را بسیار عزیز میداشت و در خانقاه خلاصیه که آن امیر در هرات بر نهر جبل ساخته بود سکونت داشت و همانجا در دوم ذی‌قعدة ۹۰۳ در ۶۶ سالگی در گذشت. میر خوند نیز یکی از مشاهیر تاریخ نویسان قرن نهم ایرانست و مؤلف کتاب بسیار معروف و رایجیست بنام روضة الصفا فی سیرة الانبیاء والملوک والخلفا که بنام علیشیر نوشته و تاریخ جهان را از آغاز خلقت تا زمان خود رسانده است و چون مجلد هفتم آن که تاریخ سلطان حسین بایقرا و فرزندان او باشد بواسطه مرگ او ناتمام مانده است نوه اش خوند میر آنرا پایان رسانده و تا وقایع

سال ۹۲۹ را بر آن افزوده و خاتمه‌ای نیز در عجایب روی زمین و جغرافیا بر آن ضمیمه کرده است و سپس رضا قلی خان هدایت ادیب معروف قرن گذشته سه مجلد دیگر در تاریخ بعد از تیموریان تا زمان خود بر آن افزوده و روضة الصفاى ناصری را ترتیب داده است

۱۹ - خواجه غیاث الدین بن همام الدین بن جلال الدین بن برهان الدین

محمد شیرازی معروف بخوند میر یا خواند میر هر وی پدرش چندین سال وزیر سلطان محمود پادشاه سمرقند عم ظهیر الدین بابر بود و چون در هرات میزیست دختر میر خوند را گرفت و ازین زن خوند میر در حدود سال ۸۸۰ در هرات ولادت یافت و بیشتر از عمر خود را در آن شهر گذراند و در جوانی بدربار سلطان حسین بایقرا وارد شد و بهمین جهت از نزدیکان بدیع الزمان میرزا پسر وی و علیشیر نوایی بزرگترین امیر دربار او بود و چون بیشتر بخدمت بدیع الزمان میرزا اختصاص داشته با او سفرهایی کرده و در سال ۹۰۲ او را بمأموریت بقندهار فرستادند و نتوانست باین سفر برود و پس از آن که سلسله تیموریان منقرض شد وی همچنان در هرات بود و تا ۹۱۶ در آن شهر بوده است و سپس در ۹۲۰ در غرجهستان بوده و در ۹۳۳ باردیگر در هرات بوده ولی بواسطه پریشانی اوضاع خراسان از ایران هجرت کرد و در ۱۰ جمادی الاخره ۹۳۴ بهندوستان رفت و در روز شنبه چهارم محرم ۹۳۵ در شهر اکره وارد دربار بابر شد و در همان سال سفری با او بینگاله و سواحل رود گنگک کرده و پس از مرگ بابر در ۹۳۷ بدربار پسرش همایون راه یافت و سرانجام در اواخر سال ۹۴۲ در گذشت و بنا بر وصیتی که کرده بود او را در دهلی در جنب مزار نظام الدین اولیا بنحاک سپردند. خوند میر از تاریخ نویسان بسیار معروف و پرکار دوره تیموری بوده و آثار وی بواسطه روانی و سادگی که دارد رواج بسیار یافته است. گذشته از خاتمه روضة الصفا که پس از مرگ جد مادری خود میر خوند نوشته کتابهای چندتالیف کرده ازین قرار: خلاصه لایخبار فی احوال الاخیار تاریخ مختصر جهان از آغاز خلقت تا سال ۹۰۴ که در سال ۹۰۵ بنام علیشیر پایان رسانده. دستورالوزراء که شامل شرح

حال چند تن از وزرای پیش از اسلام و وزرای دورهٔ اسلامیست و در ۹۰۶ آنرا بیابان رسانده و در ۹۱۴ دو باره آنرا تکمیل کرده است. مکارم الاخلاق در اخلاق و آداب و تفصیل اشعار و مؤلفات و تعداد آثار امیر علیشیر. آثار الملوك در سخنان پادشاهان و پیشوایان دین و حکیمان که آنرا نیز بنام علیشیر نوشته است. حبیب السیر فی اخبار افراد البشر که مانند روضة الصفا تاریخ عمومی جهان از آغاز خلقت و یکی از رایجترین کتابهای تاریخی بزبان فارسیست و در ۹۲۷ بتألیف آن آغاز کرده و در ۹۳۰ بیابان رسانده است ولی هنگامی که در هندوستان بوده دوباره در آن نظر کرده و مطالبی بر آن افزوده و این کتاب را نخست برای خواجه حبیب الله ساوجی وزیر دوزمش خان حکمران هرات نوشته است. آثار الملوك والانبیاء که خلاصه‌ای از حبیب السیر است در ۹۳۱ بیابان رسانده است. قانون همایون یا همایون نامه که در مناقب همایون پادشاه هندوستان پس از ۹۳۷ نوشته است. دیگر از مؤلفات او کتابیست با اسم نامه نامی که مجموعهٔ منشآت دیوانی اوست. خوند میرپسری داشته است بنام میر محمود که او هم مورخ بوده و گویند ایران میزیسته و مؤلف کتابیست در تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب که در سال ۹۵۰ یعنی ۱۵ سال پس از مرگ پدر نوشته است.

۲۰ - سلطان احمد بن خاوندشاه حسینی که ظاهراً برادر میر خوند بوده و فرمان سلطان ابوالفتح بدیع الزمان تیموری کتابی در تاریخ تیمور بنام ظفره همه پرداخته که خلاصه‌ای از ظفرنامهٔ شرف الدین علی یزدیست.

۲۱ - محمد بن حسین بن لطف الله از مورخین هندوستان در دربار سلطان محمود دوم بهمنی (۸۸۷ - ۹۲۴) بوده و مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی از آغاز تا زمان خود بنام صفوة الاخبار تا وقایع سال ۸۸۷ و خانمهٔ آنرا که در تاریخ سلسلهٔ بهمنیست سراج التواریخ نام گذاشته است.

۲۲ - عبدالکریم بن محمد نمیدهی نیز از تاریخ نویسان هندوستانست. نخست در جنوب ایران بوده و سپس به هند رفته و از ۸۷۸ در آن سرزمین زیسته و کتابی نوشته است در تاریخ عمومی بنام طبقات محمود شاهی تا وقایع سال ۹۰۵ که برای محمود شاه

دوم بهمنی نوشته است .

۲۳ - ملك القضاة فيض الله بن زين العابدين بن حمام بناني ملقب بصدر جهان که از معروفترین موزخان هندوستان بشمار میرود و مؤلف کتابیست بنام خلاصة الحکایات و تاریخی که از آغاز آفرینش تا زمان محمود شاه بن احمد شاه بن محمد شاه بن مظفر شاه نوشته و بتاریخ صدر جهان معروفست و وی در دکن میزیسته و در ۹۰۷ از جانب محمود شاه گجراتی (۸۶۳ - ۹۱۷) بمحمد آباد بسفارت رفته و از معارف زمان خود بوده است .

۲۴ - مهین الدین بن شرف الدین حاج محمد فراهی از بزرگان دانشمندان هرات بود و در سال ۹۰۰ بجای عمش نظام الدین محمد قاضی آن شهر شد ولی بیش از یک سال در آن مقام نماند و در سال ۹۱۰ یا ۹۱۶ در گذشت . وی از دانشمندان و وعاظ معروف زمان خود بوده و همه عمر را در راه دانش و حدیث بکار برده و هر آدینه در مسجد بزرگ هرات درس حکمت میداده و مؤلفات بسیار داشته از آن جمله بحر الدرر در تفسیر و روضة الواعظین و معارج النبوه فی مدارج القتوه در تاریخ رسول که در ربیع الاول سال ۸۹۱ بیابان رسانده است و نیز کتابی بنام تاریخ موسوی در احوال موسی پیمبر در ۹۰۴ نوشته است و کتاب معروفی دارد بنام احسن القصص در قصه یوسف و زلیخا که از روی روایات قرآن نوشته است و مؤلفات دیگر او بحر الدرر در تفسیر و معراج النبوه و شرایف الاوقات و قصص التنزیل و مجالس مرتبه در تذکیر و حقایق الحقایق فی کشف اسرار الدقایق در تفسیر و تفسیر سوره فاتحه و روضة الواعظین است و وی شعر نیز میگفته و در شعر معینی و معین و معین مسکین تخلص میکرده است و اشعاری در مناقب ائمه میسروده است .

۲۵ - شیخ امام کمال الدین حسین بن حسن کاشانی خوارزمی کبریوی از بزرگان عرفای قرن نهم، ظاهر اصولوی از کاشان اماوراء النهر بوده و در خوارزم میزیسته است و از مریدان خاص خواجه ابوالوفای خوارزمی عارف مشهور آن زمان بوده و نسب وی بنجم الدین کبری عارف مشهور قرن ششم می رسید و به همین جهت بکبریوی یا کبرایی

معروف بوده و در ۸۴۰ در فتنه ازبکان در خوارزم کشته شده است. وی از معارف دانشمندان و واعظ و شعرای زمان خود بوده و مؤلفات بسیار دارد از آن جمله کتابی بنام مقصد الاقصی فی ترجمه المستقصی که ترجمه از کتاب مستقصی در سیرت رسول تألیف ابوالکرم عبدالسلام بن محمد بن ابوالحسن علی حجی فردوسی اندر سفانیست که از دانشمندان قرن ششم بوده و وی در ترجمه کتاب مطالب بسیار بر آن افزوده و آنرا در حدود ۸۳۴ پایان رسانده است و دیگر از مؤلفات اوست دو شرح مثنوی مولوی که یکی را بنام جواهر الاسرار و زواهر الانوار از ۸۳۵ تا ۸۳۹ و دیگری را بنام کنوز الحقایق فی رموز الدقایق نوشته و مخصوصاً مقدمه جواهر الاسرار در تعریف تصوف بسیار معروفست و نیز قصیده برده را شرح کرده و کتابی بنام یتبوع الاسرار فی نصابح الابرار نوشته و دیوان قصاید و غزلیات او باقیست که بخط آنرا بحسین بن منصور حلاج نسبت داده و بنام او چاپ کرده اند.

۲۶ - محیی الدین عبدالعزیز معروف بمحیی حصاری مؤلف کتابی در سیرت

رسول است بنام سیره النبی که در ۸۲۱ تألیف کرده است.

۲۷ - سید محمد بن نصیرالدین جعفر حمینی مکی از مشایخ معروف

هندوستان و خلیفه نصیرالدین محمود چراغ دهلی متوفی در ۷۵۷ عارف مشهور آن زمان بود و وی در ۸۹۱ در گذشته و مؤلف کتابهای چندست از آن جمله بحر المعانی در تصوف که در ۸۲۴ پایان رسانده و رساله در بیان روح و رساله پنج نکات و کتاب بحر الانساب در تاریخ خلفا و ائمه.

۲۸ - امیر سید اصیل الدین ابوالمفاخر عبداللّه بن عبدالرحمن بن عبداللطیف

حمینی دشتکی شیرازی شافعی هروی معروف باصیل الدین واعظ از خاندان بسیار معروف سادات دشتکی شیراز، از شیراز بهرات رفت و در آن شهر ساکن شد و بهمین جهت بهروی نیز معروفست. وی از بزرگان دانشمندان قرن نهم بوده و در همه علوم زمان خود دست داشته و واعظ معروفی بوده و هفتده ای یکبار در مدرسه گوهر شاد آنجا در خیابان هرات وعظ می کرده است و ابوسعید وی را از شیراز بهرات برده است و در آنجا در ۱۷

ربیع الثانی ۱۸۸۳ در گذشته و نزدیک مدرسه کوه شاد آغا مدفون شده و وی مؤلف کتابهایی در فنون مختلف از آن جمله: رساله مزارات شیراز - کتاب المجتبی فی سیرة المصطفی - کتاب المجتبی من کتاب المجتبی فی سیرة المصطفی که خلاصه‌ای از همان کتاب سابق الذکرت و در ۸۳۰ برای جمال‌الدین ابراهیم معروف بابی کالیجار وزیر بیابان رسانده - درج الدرر و درج الغرر فی بیان میلاد سیدالبشر که خلاصه دیگری از آن کتابست و در ۶۸۰ پرداخته است - ترجمه فارسی عمدة الحض بنام غرقة الحض در ادعیه و اوراد که مجلد نخست آنرا در هرات در ۸۳۷ بیابان رسانده - معراج الاعمال در اوراد و عبادات - مقصد الاقبال السلطانیة و مرصد الاعمال الخاقانیة در مزارات هرات که در ۸۴۶ تألیف کرده است .

۲۹ - جمال‌الدین فضل‌الله احمد اردستانی معروف بپیر جمالی یا جمالی

از عرفای بسیار مشهور و بسیار پرکار قرن نهم بود و مؤسس طریقه معروفیست در تصوف که بنام او بطریقه پیر جمالیه معروف بوده و در ۸۷۹ در گذشته است . پیر جمالی کتابهای بسیار بنظم و نثر فارسی پرداخته: بیان الحقایق فی احوال سید المرسلین یا حقایق احوال المصطفی که مثنوی بزرگ است شامل هفت منظومه: ۱ - مصباح الارواح که در ۸۶۸ بیابان رسانده ۲ - احکام المحبین ۳ - نهاية الحکمه ۴ - بداية المحبه ۵ - هداية المعرفة ۶ - فتح الابواب که در آخر جمادی الاخره ۸۷۳ بیابان رسانده ۷ - شرح الواصلین که در ۸۷۶ تمام کرده است . مؤلفات دیگر او ازین قرارست: منظومه شرح الکنوز و کشف الرموز که در ۸۶۴ بیابان رسانده شامل سه قسم و قسم سوم آن بنام روح القدس - مرآت الافراد مجموعه ۴۹ رساله کوچک او - منظومه روح القدس - تنبیه الغفلین نظم و نثر - منظومه محبوب الصدیقین دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات و غیره - مصباح الارواح که در ۸۶۸ بیابان رسانده است - شرح الواصلین - منظومه مهر قلوب - قدرت نامه - نصره نامه - فرصت نامه - مرآت الحیب - رباعیات در شرح منظومه صفوت اهل التحقیق افضل الدین کاشانی - منظومه مهر افروز و آفتاب ظلمت سوز - کنز الدقایق و میزان الحقایق - کشف الارواح یا یوسف وزلیخا در تفسیر سوره یوسف .